

بنی صدر حرف خود را در مورد عاملین ترور توماج و همزمان پس گرفت اما:

باز هم حقیقت را به مردم نگفت!

در صفحه ۲

اسنادی که در صفحات ۲ و ۳ چاپ شده است، نشان می دهد که شخصی به نام حسین استیکی رفقای شهید را روز ۲۲ بهمن از زندان ولی عصر تحویل گرفته است.

مروری بر مناظره تلویزیونی

حاکم از آن بود که سازمان از عملکرد خود و اتمام کارهای که در نزدک صحرای صورت گرفته است تا به آخر دفاع می کند و از قوی ترین موضع حکومت را به مبارزه طلبید است.

لازم می دانیم فقط کلی ترین مسائلی را که در رابطه با این مناظره مطرح شده است توضیح دهیم. دعوت به مناظره تلویزیونی از جانب سازمان غیرمترقبه بود. این دعوت

تاکنون دهها هزار نامه و یادداشت به سازمان رسیده است. فرصت بیشتری می خواهد که یکا یک آنها بررسی و نتایج جمع بندی شود. ما در آینده چنین خواهیم کرد. اما اکنون

بقیه در صفحه ۵

گرامی باد یاد رفیق شهید مسعود احمدزاده

برای فدائیان خلق ما ما سفند، ما خون و حما سفاست

احمدزاده، عباس مفتاحی، اسدالله مفتاحی، حمید نؤکلی و غلامرضا گلوی که امروز اعدام شدند از افراد گروه سهاکل و شرکت کنندگان در واقعه ترور شهید فرسوی بودند.

رژیم این شش رزمنده دلیر خلق را از گروه سهاکل معرفی کرد و با همکاری و خود را از معرفی نام سازمان چریکهای فدائی خلق، نشان داد.

در تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هر ماه، بانام چند شهید فدائی همراه است و در این میان اسفند، ماه خون و حماه است.

در اسفند ماه نزدیک به ۴۰ تن از فدائیان خلق، خونین و پرخروش چشم در افق امید و دل با خلق پیروز مند سرسبز خاک میهن نهادند و به خون خفتند.

ما یاد این رفقا را گرامی می داریم و سخن بیشتر در این باره را به شماره آینده وامی گذاریم



سحرگاه ۱۱ اسفند ۶۳ تن از پاه گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران توسط دزخیان رژیم مغرور شاه مسعود احمدزاده، مجید

تا وقتی دشمن مردم مسلح است مردم هم باید مسلح باشند

در سرمقاله "کار" شماره ۴۷ گفتیم که بنی صدر ضمن کوشش برای تجزیه نیروهای انقلابی و مترقی و زیر فشار گرفتن انقلابیون کمونیست می کوشد نیروهای سرکوب دولتی و در رأس همه ارتش اسلامی شده را تقویت کند. در مناظره تلویزیونی هم او کوشید مسئله خلع سلاح را به محور بحث تبدیل کند.

بنی صدر در طول مناظره نشان داد که می خواهد تقویت ارتش را زیر پوشش خلع سلاح گروههای مسلح به پیش ببرد. او برای مقبول جلوه دادن حرفهای خود کوشش کرد خود را پای بند به خواست تودهها جلوه دهد و نقشه خود را به نام

بقیه در صفحه ۲

ارتش بست تلویزیونی ایجاد نباید کرد

بدنبال یکسال پیکار شوراهای دهقانان با لآخره قانون اصلاحات ارضی

از تصویب گذشت دهقانان ترکمن در این مبارزه سهم مهمی به عهده داشتند.

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرای دهقانان و در روستا و گسترش خود توانست شمار برآید. بدون تردید پیشنهاد بازپس گرفتن زمینهای غصبی را به شعار مبارزه با زمینداری بزرگ ارتقا دهد و جنبش ضد امپریالیستی - دیکراتیک مردم ما را عمیق و وسعتی دیگر بخشد.

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرای دهقانان زحمتکش سرسرا بران برای عطسی ساختن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" به رغم همه

دسیسهها و اقدامات ضد دهقانی زمینداران بزرگ و سرما به داران و به رغم همه تهاجمات که جناحهایسی از حاکمیت برای سرکوب دهقانان و حفظ منافع غارتگران انجام دادند، جمهوری اسلامی ایران را وادار کرد که طرح

بقیه در صفحه ۱۳

در انتخابات مجلس از کاندیداهای بقا زمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم

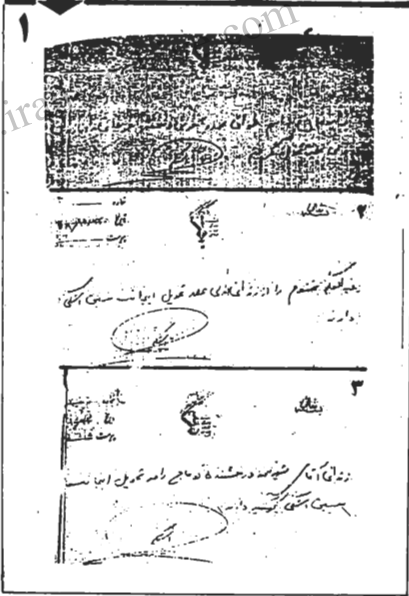
بنی صدر

حرف خود را در مورد ...

بقیماز صفحه ۱

هم بنی صدر گوید بگوید چون رفقا در درگیری ها شرکت داشتند بنا بر این می بایست محاکمه می شدند. او همیشه عمدا فراموش می کند که رفقا را قبل از درگیری بازداشت کرده بودند و او ای بی سدر در مورد شهادت آنها در درگیری های مسلحانه ادعایی است که صرفا برای منحرف کردن افکار مردم و حقانیت تراشیدن برای همسان جریانهای فاشیستی درون سپاه پاسداران ، فدائیان خلق همراه با همه مردم آگاه و مبارز ایران خواستار افضای بلادرنگ عاطفین این جنایت بر خاسته اند و در عمل شریک جرم آنها محسوب می شوند. همه کسانی هم که در برابر این جنایت سکوت کنند یا موضع قاطع در برابر آن نگیرند، عذاب به آنها امیرالیمم رنخته اند و این جریان های تروریستی در درون هیئت حاکمه را باری کرده اند که به شکار و ترور انقلابیون ادامه دهند.

این سه سند که همه به خط حسین استیگی است نشان می دهد که تا مهرده روز ۲۲ بهمن هر چهار رفیق را تحویل گرفته است



متن سند شماره (۱)
تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲
زندانیان به اسم طوای محمد واحدی و حسین جرجانی را از زندان ولی عصر تحویل گرفتیم.
استیگی
بقیه در صفحه ۳

تا وقتی دشمن مردم ...

مردم عنوان کرد. حرف و نقشی که اساسا و عمیقا به زبان مردم است!
سلاح از دست مردم خارج کردن و سپردن آن به دست ژاندارمری های ارتشی که بند بند وجود آن دست پرورده امریکاست کجایش به نفع مردم ما است؟ بنی صدر تحت پوشش این حرف که ما تسلیم زور نمی شویم می خواهد بسا داد و بیداد "زور" را به مردم تحمیل کند!
او با تجاهل از بیان این حقیقت ظفر می رود که وقتی سلاح فقط در دست ارتشی باشد که تودمهای نیست و فرمان آتش در اختیار و انحصار فرماندهان آن است، فرماندهانی که با هزاران رشته به امیرالیمم امریکا پیوند دارند، قدرت واقعی در دست ارتش خواهد بود و حرف ارتش و کسانی که مهار ارتش را در دست دارند به پیش خواهد رفت.
بنی صدر در حرف ادعای انقلابی گری دارد و می گوید می خواهد انقلابی رفتار کند اما در عمل فلاحی ها و شاکرها و مدنی ها و علوی ها و باقری ها را از فدائیان و مجاهدان، این انقلابیون جان برکفی که سالها با رژیم شاه جنگیدند، "انقلابی تر" و "مردمی تر" می داند. او می خواهد که توپ و تانک و مسلسل در دست امثال فلاحی و شاکر و علوی باشد.
ما می گوئیم خیر، مردم به هیچ وجه حاضر نیستند وسیله کشتار خود را در اختیار امثال فلاحی ها و علوی ها بگذارند چگونه از مردم انتظار دارید به مدنی، علوی، به شاکر و باقری و شادمهر اعتماد کنند؟
یک مارکسیست - لنینیست نمی تواند معتقد باشد که به جای طبقه کارگر و دیگر متحدین او در انقلاب، به جای توده مردم، عناصر مارکسیست - لنینیست قشون مسلحی را باید تشکیل دهند که از حکومت مردم و از پیروزی آنها دفاع کنند. بحث ما اصلا بر سر مسلح بودن احزاب و سازمان های سیاسی نیست. بحث بر سر این است که آیا مردم دست خالی می توانند در برابر دشمنان شان که تا دندان مسلح اند، از حق خود دفاع کنند یا نه؟ اگر دست خالی نمی توانند، پس چگونه می توانند از حقوق خود دفاع کنند؟ آقای بنی صدر می گوید "ما همین ارتش را درست می کنیم و به او می گوئیم از منافع مردم دفاع کن". مسأله می گوئیم این ارتش را آنطور که شما می گوئید فقط می توان برای سرکوب مردم، برای کودتا و برای خدمت به سرمایه داران و امیرالیمم درست کرد. تنها خود مردم هستند که در یک ارتش منظم بیست میلیون و مسلح که تمام افراد آن کار می کنند و تولید شرکت دارند، متشکل می شوند و از منافع خود دفاع می کنند. آری، این بیست میلیون مردم ایران بایسد در شوراها مسلح مردمی متشکل شوند و این شوراها مسلح از استقلال میهن و از منافع زحمتکشان دفاع کنند.
بحث ما بر سر مسلح کردن شوراها واقعی کارگران و دهقانان است. این چکیده حرف های ماست.
بنی صدر می خواهد با تقویت ارتش از یک طرف و پشردن خلع سلاح مردم در پوشش خلع سلاح انقلابیون کمونیست از طرف دیگر مردم را با یک نیروی مسلح جدا از مردم که بنا به ماهیت خود نمی تواند مردمی باشد، روبرو سازد و ما می گوئیم با توجه به تجارب انقلاب های شکست خورده و پیروزمند جهان، با توجه به تجارب مربوط به نهضت مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد، کودتای شیلی، اندونزی و دهها نمونه دیگر، با توجه به حماسه نبرد خلق و پیتنسام، مردمی که مسلح و متشکل هستند و تنها مردمی که به نیروی مسلح خود متکی هستند قادرند از استقلال میهن، از آزادی خود و از حاکمیت خود دفاع کنند. خلع سلاح مردم و در اختیار گذاشتن سلاح زیر فرمان ژنرال هایی که نه تنها هیچ سابقه مبارزاتی و مردمی ندارند، بلکه همگسی دست پرورده و دست بخت مستشاران امریکائی و اسرائیلی هستند، بزرگترین خطر را برای جنبش ضد امپریالیستی - دیمکراتیک خلق های ما به بار خواهد آورد.
باید برای مردم مسئله را وسیع توضیح داد، باید مسئله را برای آنها درست طرح کنیم، تا بدانند که وجود اسلحه و مهمات در دست فرماندهان ارتش به سود آنان است یا در دست ارتش بیست میلیون، ارتشی که از خودشان تشکیل شده و رهبری آن هم در دست خودشان است؟

بقیه از صفحه ۱

چه کسانی مسئول کشتار مردم

در تظاهرات و راهپیمائی های مسالمت آمیز است ؟

● رهبران باندهای سیاه و عاملین کشتار مردم و انقلابیون

آزادانه به فعالیت مشغولند

در اعتراض به کشتار خلق
ترکمن و جامعه ترور رهبران
ستاد مرکزی شوراهای دهقانی
ترکمن صحرا ، سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران - شاخه
تبریز ، از مردم آگاه و مبارز
تبریز دعوت کرد که در
راهپیمائی روز ۹ بهمن سه
شرکت کنند .

مسئولین برگزاری این
راهپیمائی ، به فرمانداری تبریز
مراجعه می کنند و از مقامات
مسئول بطور کتبی می خواهند
که اجازه برگزاری راهپیمائی و
تأمین امنیت آنرا صادر
کنند .

مقامات مسئول با دریافت
تقاضای رسمی سازمان ، با
برگزاری مراسم موافقت می کنند .

شروع راهپیمائی
ساعت ۳ بعد از ظهر بیش از

شوند .
به محض دادن شعار از طرف
جمعیت ، دسته ۱۰۰ نفری که
در کنار ساکت ایستاده بودند
شروع به دادن شعار کردند
" سلام پیروز است ، چپو
راست نابود است " ، " مرگ بر
فدائی " .

جمعیت از میدان آرک بطرف
خیابان طالقانی شروع به
حرکت کرد . در این فاصله
دسته ۱۰۰ نفری خود را به جلو
صف رساندند و سعی داشتند
جلوی حرکت صفا بگیرند و
مانع ورود آن به خیابان
خیمینی شوند . ولی جمعیت
همچنان به راه خود ادامه داد
سربلای تقاطع طالقانی خیمینی
ترافیگ سنگینی ایجاد شده
بود . در این اثنا که فالانژها
در سمت مقابل صف قرار
گرفته بودند ، شروع به حمله
کردند . چند نفر از آنها با
سایر به وسط جمعیت حمله

چهره های شناخته شده ای از
افراد کمیته ای معروف به کمیته
بازرسی بودند . این افراد
عبارت بودند از " شاطر یوسف ،
رسول ، علی شیردل ، تهرانچی
و زلفی که در ضمن مسلح به
کلت بودند .

در این موقع جمعیت یکی از
آنها به نام رسول را دستگیر
کرده و به داخل کوچه می برند .
در این هنگام شاطر یوسف
و دارود ستایش شروع به
تیراندازی می کنند و رسول
هم کلتش را می کشد و شروع به
تیراندازی می کند . آنها سر
کلت را طوری می گیرند که
گلوله ها با فاصله کمی از بالای
سر جمعیت رد می شود و گاهی هم
زیر پای جمعیت شلیک می کردند
ضمناً تعداد زیادی پاسدار
در لباس شخصی که مسلح به
زنجیر ، چاقو و کلت بودند
و چاقوهایشان را به پایسته
بودند نیز به جمعیت حمله

چهره های شناخته شده ای از افراد " کمیته بازرسی " از جمله

شاطر یوسف ، رسول ، علی شیردل ، تهرانچی ، زلفی و حمید سلیمی

در میان مهاجمان بودند . آنها همه کلت بسته بودند .

کردند و وحشیانه در حالی که
چشمپاشان راسته بودند در
میان جمعیت پیچ می خوردند .
جمعیت آنها را دستگیر و بعد از
گرفتن ساطورهایشان آزادشان
کردند . جمعیت به راه خود
ادامه می داد که عده ای با
زنجیر و چاقو به آن حمله ور
شدند . بعد از خیابان فردوسی
در نزدیکی های چهارراه
فالانژها شروع به پرتاب سنگ و
آجر به طرف جمعیت کردند
که عده ای به شدت زخمی
شدند ولی صف همچنان
حالتش را حفظ کرده و به راه
خود ادامه می داد . دسته ای
از فالانژها که در جلو صف
بودند مانع حرکت آن
می شدند . در این موقع با
چاقو و زنجیر به صف حمله
می کنند . در میان آنها

۵ هزار نفر در میدان
ارک ، محل تجمع راهپیمایان
گرد می آمدند و مسیر تعیین
شده راهپیمائی را آغاز
می کنند . آنها شعاری دادند :
عوامل جنگ افسوز ، در
کردستان ، در گنبد ، در
پیشگاه مردم اعدام باید گردند
آمریکا ، آمریکا ، مرگ به
نیروگ تو ، خون شهیدان ما
می چکد از چنگ تو .
شعار هرفدائی ، استقلال
کار ، مسکن ، آزادی .
راهپیمایان به زبان ترکی
نیز شعاری می دادند که
عبارت بودند از :
زخمکش ها متحد شوند
آمریکا نابود شود .
کارگران به کار برسند
دهقانان به زمین ، آمریکا
نابود شود ، سرمایه داران نابود

دنبالشان می کنند و چند نفر از
جمله شاطر یوسف را دستگیر
می کنند . در این موقع او
سلاحش را می کشد و شروع به
تیراندازی به طرف جمعیت
می کند که تعدادی زخمی
می شوند (حدود ۲۰۰ نفر
در این موقع کشته شدند)

می شد . این دستجات
از کسولگری آمریکا که در حال
حاضر محل استقرار پاسداران
است سازماندهی شده بود
و نیروهای حمله کننده از
پاسداران مستقر در
کسولگری آمریکا ، کمیته
بازرسی ، کمیته مرکزی و عده ای
از فالانژها بودند . آنها بعد از
حمله و ضرب و شتم سوار چند
ماشین شدند و به کسولگری
رفتند .
آنچه که از گزارش فوق
برمی آید ، چهره های شناخته
شده ای که از آغاز قیام تاکنون
تنها با مهربانیم آمریکا و
دشمنان مردم ما خدمت
کرده اند ، نقش سازماندهی
داشتند . در این میان نقش
" حمید سلیمی " ما مسلح
دستگیری و پرتاب نشسته قتل رفیق
بهژن نوبی که در کار شماره

● عناصر باندهای سیاه را هر کجا که می شناسید
به مردم معرفی کنید ، نباید فرصت داد ادا اعمال
جنایتکارانه این عناصر مزدوری کیفری بماند .

۳۵ شرح تفصیل آن را درج
کرده ایم ، قابل تأکید است .
حضور آزاد و فعال این عوامل
در بورش مسلحانه همواره
راهپیمایان تبریز ، دلیل
محکمی است بر این که این
عوامل از جانب جناحهایی
از حاکمیت مورد حمایت و
پشتیبانی قرار می گیرند و
اساساً در جهت اهداف
امپریالیسم آمریکا و تحکیم
سلطه آن سازماندهی شده اند .
بورش مسلحانه این باند ها
به صفوف راهپیمایان تبریز
تاکنون دو تن کشته و صد هات
زخمی به جا گذاشته است و
بدون شک عدم اقدامات
جدی چهار طرف نیروهای
انقلابی و ضد امپریالیست
و چه از جانب مقامات رسمی
می تواند ابعاد فاجعه باریتری
را به بار آورد .
امروز دیگر ماهیت حمله به
میتینگها ، تظاهرات و دفتر
سازمان های انقلابی و ضد
امپریالیست برای مردم مهین
ما آشکار شده و نفرت همگان
را برانگیخته است .
شکار نیروهای انقلابی که
اینگ هر روز در چهار گوشه
میهن ما اتفاق می افتد ،
اتحاد عمل نیروهای انقلابی
و ضد امپریالیست را در مقابل
با باند های سیاه بیشتر از هر
زمانی ضروری می سازد و بدیهی
است که می باید در جهت
تحکیم و تقویت چنین اتحاد
عملی حرکت کرد .

زخمی می شوند) .
هواداران سازمان که
می بینند درگیری خشن شده
می گویند : " آنها را اول کتیبند و
پراکنده شوید " . در این موقع
آمیولانس می رسد و زخمی ها را
به بیمارستان می برد ، پاسدارها
هم به طرف بیمارستان رفته و
عده ای دم در بیمارستان
ایستاده و عده ای دیگر وارد
بیمارستان می شوند که دکترها
آنها را بیرون می کنند .
در این موقع دیگر جمعیت
در داخل تظاهرات در سطح
شهر پراکنده شده بودند و
بعد از یک ساعت راهپیمائی در
گوشه و کنار شهر تجمع کرده و
حادثه را برای مردم توضیح
می دادند .

آنها قبل تدارک دیده بودند
چون تعدادی از کمیته ای ها
از جمله " حمید سلیمی " با موتور
کلت می دادند و رفقا را
شنا سائی کرده و گزارش
می دادند و پاسداران آنها را
دستگیر می کردند .
در موقع حمله فالانژها مردم
به آنها می گفتند " شما با
چماق داران رژیم قبلی چه فرقی
دارید ؟ " .
در اثر حمله آنها شهر متشنج
شده بود . بطوری که مردم
می ترسیدند از خانه بیرون
بیایند . مثلاً یک زن جلو
دخترانش را که به قصد خرید
می خواستند از خانه بیرون
بروند ، گرفته بود و مانع

باندهای سیاه را با قدرت تمام افشا کنیم و نابود سازیم



مرور کوتاهی بر مناظره...

بقیاض صفحه ۱

ایا خوب می دانستیم که شوراهای ترکمن صحرا رهبران فدائی آن در ترکمن صحرا چه کرد ما ندانیم حکومت چه کرده است و مردم چه قضاوت خواهند کرد. مشکل همیشه برگ برنده از پیش نزد ما بود فقط می بايست می فهمیدیم که آزان در کجا و چگونه استفاده کنیم و به مردم نشان دهیم که جنگ افروز کیست؟ حامی فتوادل کیست و هدست ساوک و سرکوبگر کدام نیروها هستند.

دعوت ما بنی صدر را در این بست قرار داد. پس از اعلام سازمان گری بنی صدری پذیرفت شرکت می کرد، نتایج محدودا همین بی شد که شواکر در می کرد و بنی پذیرفت، چون خودش همواره طراح آن بوده و از آن دفاع کرده بود مردم به خوبی متوجه می شدند که چون کارهای حکومت در ترکمن صحرا جایی برای دفاع ندارد، بنی صدر به مناظره تن کشاده است.

مناظره در شرایطی از جانب سازمان پیشنهاد شد که سبیل تبلیغات پرچم زهر آلود بود و تلویزیون علی بنی فدائیان سراسر ایران را پوشانیده بود و مخصوص بعد از کوچ مردم گنبد و اشغال کامل شهر توسط سپاه پاسداران در اوج خود بود.

چنین انقلابی یکی از درخشان ترین کارنامه ها را در ترکمن صحرا ارائه داده بود و همین موجب شده بود که بیش از هر جای دیگر مورد حمله همه جناح های مترجم و در اوج خود بود.

چنین انقلابی یکی از درخشان ترین کارنامه ها را در ترکمن صحرا ارائه داده بود و همین موجب شده بود که بیش از هر جای دیگر مورد حمله همه جناح های مترجم و در اوج خود بود.

مقصود بنی صدر از شرکت در مناظره کوشش در جهت حل مسائل خلق ترکمن نبود. او در تمام طول مناظره کوشید به مسئله خودش برسد و آن هم مسئله خلع سلاح مردم بود.

جنگ افروز: زمینداران، سرمایه داران و ضد کمونیست های هیئت حاکمه قرار گیرند. ولی بعد از افشای جنایت های سازمان و ترویر رهبران شوراهای ترکمن صحرا موضع بنی صدر به شدت تضعیف شد. او در این مورد حرفی برای گفتن نداشت و به همین منظور یک هفته مناظره را به تعویق انداخت.

مقصود بنی صدر از شرکت در مناظره کوشش در جهت حل مسائل خلق ترکمن نبود. او در تمام طول مناظره کوشید به مسئله خودش برسد و آن هم مسئله خلع سلاح مردم بود.

محرور " افشاگری " نتایج فدائیان پرشنامه ای بود که ستاد شوراهای برای روستائیان تنظیم کرده بود و موضوع سوالات به قدری عالی بود که خود به بهترین وجهی از زبان استاندار نشان داد که چگونه سازمان می تواند از مردم بیاموزد تا بتواند مردم را در پی کار علیه دشمنان نشان هدایت کند. ارائه پرشنامه افتخاری شد برای سازمان ما. علاوه بر این نماینده سپاه پاسداران که تلاشی می کرد ستاد را بسا فتوادل ها مربوط سازد، مفتضحانه شکست خورد. در عرض رابطه با پاسداران با رئیس ساوک گنبد با ارائه سند به معترض قضاوت عموم گذاشته شد و به نحو شایسته ای اثبات شد.

و با اقدامات فاشیستی خود مثل صدور دستور حمله بسه راهبهای ۱۹ بهمن و تیرباران رهبران شوراهای ترکمن صحرا در خدمت ارتجاعی ترین طبقات در آمده است. اما اکثریت توده پاسدار و یک بخش از رهبری آنها را باید از بقیه سوا کرد. مناظره به توده مردم آموخت که ارتش خطرناک ترین نیروی سرکوب است. شخص بنی صدر نیز از این مناظره ضرر نکشید. صرف حضور فدائیان خلق که در ذهن توده ها به عنوان سرسخت ترین مبارزین شناخته شده اند. در کنار بنی صدر برای بنی صدر یک افتخار بود. به ویژه که بنی صدر گاهی می کوشید خود را از مناظره کنار بکشد و بزهای قلم ما بانه بگیرد. بنی صدر با پذیرش دعوت ماه مناظره مطابق ذهنیت توده ها و خواست آنان عمل کرد. توده ها می خواهند همه حرف ها را بشنوند و خودشان در مورد هر یک قضاوت کنند. باین مناظره سازمان غیر نوبنی در سطح جریان های

نمایند سپاه پاسداران که تلاشی می کرد ستاد را با فتوادل ها مربوط سازد.

مفتضحانه شکست خورد. در عرض رابطه با پاسداران با رئیس ساوک گنبد با ارائه سند

به معترض قضاوت عموم گذاشته شد.

مدعی مارکسیسم به پیش برداشت. مناظره موقعیست سازمان را در معرض کمونیستی ایران بیش از پیش تحکیم بحسبید. قضاوت توده ها و استقبال مردم از سازمان توانید حقایق آن در تحکیم موقعیت سازمان در درون جنبش کمونیستی نقش درجه اول داشته است. به نحوی که حتی اپورتونیسم چپ و اپورتونیسم راست فرصت نیافتند علیه سازمان سیاسی کنند.

مناظره مشخصا مبارزه طبقات را در تمام محیط های اجتماعی (در کارخانه، در مزرعه، در سطح شهر، در مدارس و در خانه ها) دامن زده و گسترش داده است. گسترشی که مشخصا در جهت ارتقاء آگاهی توده های دهقانی بطور اخص و ارتقاء آگاهی دگرگانیک همه توده ها بطور اعم عمل کرده است.

برشن و پاسخها و توضیحات رفا و حتی پاسخ های بنی صدر و دیگر حکومتگران به توده ها نشان داد که چگونه فدائیان شمار زمین، شمار زمین حق آزادی اجتماعات و تظاهرات، شمار تشکیل ارتش خلق، شمار افشا و طرد و سرکوب دوستان و جاسوسان امپریالیسم رازیک سال پیش تاکنون پیگیرانه مطرح و دربراه آن مبارزه کرده است. مناظره به درستی به توده ها نشان داد که فدائیان خلق پیگیرترین مدافع منافع طبقه کارگر مردم زحمتکش اند. که فدائیان خلق پیگیرانه برای مساعده زمین های زمینداران به نفع دهقانان مبارزه میکنند. مردم دیدند که ما سرسخت ترین مدافع دگرگانی و حقوق خلقها هستیم. مردم فهمیدند که فدائیان قاطع ترین دشمن سرمایه داری و امپریالیسم هستند و بنی صدر و بطور کلی همه نمایندگان هیئت حاکمه در بسیاری موارد تنها در برابر اراده مردم و تعرض نیروهای انقلابی است که مجبور می شوند به نفع

بنی صدر در این قسمت به کمک استاندار شافت. اما تلاشی های او نیز نتوانست غریبی را که سر نوشت محتومش غرق شدن بود، نجات دهد. بنی صدر تلاشی کرد که بگوید که فدائیان جنگ مسلحانه راه انداخته اند. او در طرح این مسئله زینگی خاصی از خود نشان داد. بدین صورت که وقتی ما پرسیدیم " دلیل شما چیست؟ " برای اثبات این حرف گفت: " حوادث گذشته گنبد و کردستان و جاهای دیگر وقتی ما خواستیم توضیح بدهیم که این شما بودید که شروع کردید، بنی صدر گفت: " این مربوط می شود به قسمت دوم " و همان ترتیب حرف خودش را زد بدون این که جوابش را همانجا دریافت کند.

در قسمت دوم مردم همه دیدند که حمله به راهب های سازمان و به دنبال آن تحمیل جنگ به خلق ترکمن یک توطئه از قبل سازمان یافته بوده که از تهرآن رازیک سب سپاه پاسداران هدایت می شده است. توطئه ای که سه شوم ترین صحنه آن ترور ناجوان مردانه رفقای شهید توماج مخوم، جرجانی و واحدی بود. بنی صدر در این قسمت گفته قبلی خود را مبنی بر این که ترورها در رابطه بسا دگرگری بین گروه های چریکی بوده است، پس گرفت و این پیروزی بزرگی برای ما و یک عقب نشینی بزرگی برای

بنی صدر گفته قبلی خود را مبنی بر این که ترورها در رابطه با دگرگیری بین گروه های

چریکی بود ما ست پس گرفت و این پیروزی بزرگی برای مردم و یک عقب نشینی بزرگی برای هیئت حاکمه بود.

مناظره مشخصا مبارزه طبقات را در تمام

محیط های اجتماعی، در کارخانه، در مزرعه،

در سطح شهر، در مدارس و در خانه ها بیشتر کرده

و گسترش داده است.

توده ها قدم بردارند. اگر مبارزه یک ساله دهقانان ترکمن صحرا و فعالیت های خستگی ناپذیر فدائیان نبود، اکنون ما در زمین های زمینداران ترکمن صحرا به سود زحمتکشان از جانب حکومت به رسمیت شناخته نمی شد و اگر مبارزات فدائیان بود پیگیران انقلابی نبود حکومت حاضرین شنا اعلام نما بد که سبب کنندگان آزادی و امنیت تظاهرات و اجتماعات مردم بود پیگرد قرار خواهد گرفت.

نقش مکرر این حقوق و بی توجهی های سازمان هیئت حاکمه به خواست مردم، به تجربه به آنها نشان داده است که تنها وقتی خود مردم بسیج و متشکل شوند مبارزه کنند دولت به خواست هایشان تن خواهد داد.

هیئت حاکمه بود. مردم که اغلب از قبل همه می دانستند قضیه چیست اگر ملا فهمیدند که داستان جعلی " فدائیان ترکمن پیرو منشی مسلحانه " از کجالت می خورده است. همه در یافتند که جناح های از زمان خودشان این جنایت را سازمان داده و به انجام رسانیده اند. مردم دریافتند که بنی صدر هم از طریق تحریف و جعل حقایق به آنها کمک کرده که از جنگ عدالت خلق بگریزند و سایر جناح های حاکم نیز با سکوت خود در برابر این جنایت در عمل از آنها پشتیبانی کردند.

این مناظره بیش از پیش فدائیان را به میان توده ها برد و نقطه عطفی شد در جهت سیاسی سازمان. فعالیت علمی سازمان و هواداران را سهل تر ساخت و راه را برای رابطه گیری با توده مردم بازتر کرد و جو مسموم کننده ای را که علیه سازمان ایجاد کرده بودند، درهم شکست. سازمان در این مناظره مایهت فرماندهان ضد خلقی ارتش را به نمایش گذاشت. چهره عیوس فلاخی نشانسی شد از خشم و کین او از فدائیان خلق و سایر گروه های انقلابی. علاوه بر این سازمان نشان داد که در سپاه پاسداران جناحی وجود دارد که علیه مردم توطئه می کند

بود. ما می خواستیم حقایق سازمان و خلق ترکمن و همه خلق های تحت ستم در معرض قضاوت توده ها قرار گیرند، علاوه تا حدی که ممکن است سیاست سازمان در برابر سپاه پاسداران و ارتش و عملکرد آنان برای توده مردم توضیح داده شود.

طی مناظره نیز این تلاش از هر دو سو ادامه یافت. استاندار و پاسداران تحت پوشش ریشه پای برای حل مسئله ترکمن صحرا یک مشت باطبل راه خورد مردم دادند و یک ساعت از وقت مناظره را تلف کردند. پیشنهاد بنی صدر در مورد نحوه طرح مسائل بود و قسمت کردن بحث ظاهر امنطقی بود. ما زهمان اوایل مناظره خوب می دانستیم که پیشنهاد بنی صدر به خاطر آن بوده است که اول وقت هر چه بیشتر به مسائلی اختصاص داده شود که ربطی به مسائل مشخص گنبد ندارد. ثانیا مسئله خلع سلاح درگانون مناظره قرار گیرد. لذا کوشیدیم زهمان ابتدا قسمت اول را هر چه زودتر به آنها با رسانیم و به مسائل مشخص برسیم ولی باین که حدود دو ساعت و نیم وقت صرف مسائلی شده که آنها می خواستند طرح شود، باین حال رفقای ما در این قسمت پیروزی های چشمگیری کسب کردند.

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلق های ماست

کارگران:

«ما بخشنامه شورای انقلاب در مورد شورای فرمایشی را از اساس رد می کنیم»

کارگران شورای انقلابی می خواهند
شورای انقلاب شوراهای فرمایشی را توصیه می کنند

انتصاب، خرید اجناس و نیز فروش و غیره نظارت داشته باشد و ما معتقدیم که اساسنامه کارگران با کارفرمایان و با کمترین امکانات سازمان متروکهای را بازسازی کرده و آن را به محل (کانون) شورا و مرکز جمع خود تبدیل نمودند. شورا برای احقاق حقوق کارگران به یکبار بارها با فرماندار، استاندار، امام جمعه و رئیس شرکت نفت تماس گرفت که بی نتیجه ماند. روز ۲۲ بهمن سالگرد قیام پرشکوه خلق های ایران طوسی راهپیمایی که با شرکت ۲۰۰۰ نفر از کارگران پررژه های ترتیب یافت و خواست های کارگران بدین ترتیب اعلام شد:

- ۱- ایجاد کار بدون سرمایه های امریالیستی، قطع دست پیمانکاران و دولتمندان
- ۲- پرداخت حق بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار
- ۳- تامین درمان رایگان برای عموم کارگران روزمندان
- ۴- کنترل قیمت ها مخصوص ارزاق عمومی به شیوه اصولی (شیوه های معمولی از قبیل پرونده سازی و تعقیب بازاریان و کسب خرد بها محکوم شده است)
- ۵- ایجاد شرکت ملی پررژه های ایران

در روز ۲۳ بهمن کارگران برای تحقق خواست های خود ژرفرمانداری متحصن شدند. فرماندار استان گساران برای درهم شکستن مبارزات

اساسنامه آن توسط کارگران نوشته شد و برای ماشوری واقعی یعنی این ولسی تاچالدینی مشاور رئیس کل عنوان نمود که ما باید مطلقاً صحبت هایمان را در چارچوب بخشنامه شورای انقلاب ادامه دهیم. زیرا اکنون وضع بسیار گذشته فرق کرده است و مدیریت انقلابی است و باید بگران فرقی ندارد. نماینده های درجوا بش گفت:

«این بخشنامه مال دولت بازرگان است. اکنون دیگر ماهیت دولت او برای اکثر افراد ملت شناخته شده است این نماینده ما افزود:

«بگذار انقلاب آن زمانی که هیچ مدیریت در راه آن نبود و راه آن به صورت شورایی اداره می شد باز دهی کار ۱۰٪ افزایش پیدا کرد ما نمایندگان کارگران و کارکنان راه آن خواستار شورایی هستیم که بر اساس

در تاریخ ۲۵ بهمن مصلی جلسه ای به دعوت مدیریت راه آن با شرکت ه غیر از نمایندگان قسمت های مختلف این واحد تشکیل شد در این جلسه ابتدا آقای تاچالدینی از اداره حقوقی شروع به صحبت کرد و گفت: علت این گرد هم آیی تکمیل بخشنامه دولت بازرگان در مورد شوراهاست. نمایندگان با این برنامه مخالفت کردند و در جوابش گفتند:

«منظور از شورا شرکت و نظارت فعال آن در تمامی سطوح راه آن از بالاترین نقطه تا پایین ترین مسائل جاری آن می باشد و بخشنامه فرمایشی شورای انقلاب به هیچ وجه مورد قبول ما نمی باشد. ما این بخشنامه را از اساس رد می کنیم. ما خواهان ایجاد شوراهای هستیم که

شورای مرکزی مطالبات

خواستار لغو قراردادهای امپریالیستی است

مقاومت آن در روز ۲۱ بهمن حکم انفصال از خدمت سفیر از اعضای شورای مرکزی کارکنان از جانب وزیر صادر شد. این عمل و اعمال مشابه وزیر، موج اعتراضات کارکنان سراسری مخابرات را موجب شد و جمعی از کارکنان در ساختمان بی سیم سید خندان متحصن شدند که با وساطت نماینده امام حجت الاسلام محلاتی، بطور موقت دست از تحصن کشیدند و مجمع عمومی کارکنان به انتخاب ۵ نفر به عنوان هیئت پیگیری، برای ادامه مذاکرات تعیین شد. ولی چند روزی از مذاکرات نگذشته بود که برای ۲ نفر از هیئت ۵ نفره (به اتهام واهی اخلال و تعدد) حکم تعلیق خدمت صادر شد. این روشهای ضد مردمی آقای وزیر کارکنان مخابرات را سران داشت که متحد و یکپارچه خواست های خود را که چیزی جز حق برخورداری از شورایی واقعی شان نیست، پیگیری نمایند.

بزرگاری گرد هم آیی گرفت و با وجود تهدیدهای مکرر از جانب وزیر و «انجمن اسلامی» اکثریت فریب به اتفاق کارکنان در روز ۱۶ بهمن ماه اجتماع کرده و مسائل و خواست هایشان را مورد بررسی قرار دادند. شرکت کنندگان در گرد هم آیی خواست های کارگران و کارکنان مخابرات را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- افشاء و لغو قراردادهای استعماری شرکت مخابرات (به ویژه قراردادهای مربوط به شرکت های امریکایی مثل جی. تی. ای. و...)
- ۲- حق دخالت شورادر امور شرکت مخابرات.
- ۳- محکوم کردن اقدامات یکجانبه و خلالگرا نه وزیر و وارد ستاد جهت انحلال شورا.
- ۴- برکناری رؤسای رستخیزی و سرسپرده رژیم گذشته.
- ۵- محکوم کردن نحوه تصفیه و انتصاب در شرکت مخابرات.

به دنبال برکناری آقای اسلامی وزیر سابق پست و تلگراف و تلفن (که شورایی مرکزی کارکنان مخابرات سهم موثری در این برکناری داشت) شخص دیگری به نام دکتر قندی با پشتیبانی «انجمن اسلامی» آن وزارتخانه به وزارت منصوب شد. وزیر جدید نیز به نوبه خود، موسسین «انجمن اسلامی» را که در رژیم گذشته روسای کارون های حزب رستاخیز بودند، به عنوان هیئت مدیره شرکت منصوب نمود و وظایف مهم اداری را به آنان سپرد. آقای قندی از همان آغاز کار به مخالفت با شوراها و به ویژه شورای مرکزی کارکنان برخاست و آنان را ضد انقلابی خواند و تهدید به تصفیه و اخراج نمود. وی خود سرانسه از ورود نمایندگان کارکنان به جلسه ای که جهت بررسی مشکلات شرکت تشکیل شده بود، جلوگیری به عمل آورد. به دنبال آن، مجمع عمومی نمایندگان تصمیم به

شورای کارگران پررژه ای گساران خواهان ایجاد شرکت ملی پررژه ای هستند

شورای کارگران پررژه ای (فصلی) گساران از ماه قبل در جهت تشکیل کارگران و پیشبرد مبارزه با آنان تلاش می کنند. کارگران با کارفرمایان و با کمترین امکانات سازمان متروکهای را بازسازی کرده و آن را به محل (کانون) شورا و مرکز جمع خود تبدیل نمودند. شورا برای احقاق حقوق کارگران به یکبار بارها با فرماندار، استاندار، امام جمعه و رئیس شرکت نفت تماس گرفت که بی نتیجه ماند. روز ۲۲ بهمن سالگرد قیام پرشکوه خلق های ایران طوسی راهپیمایی که با شرکت ۲۰۰۰ نفر از کارگران پررژه های ترتیب یافت و خواست های کارگران بدین ترتیب اعلام شد:

- ۱- ایجاد کار بدون سرمایه های امریالیستی، قطع دست پیمانکاران و دولتمندان
- ۲- پرداخت حق بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار
- ۳- تامین درمان رایگان برای عموم کارگران روزمندان
- ۴- کنترل قیمت ها مخصوص ارزاق عمومی به شیوه اصولی (شیوه های معمولی از قبیل پرونده سازی و تعقیب بازاریان و کسب خرد بها محکوم شده است)
- ۵- ایجاد شرکت ملی پررژه های ایران

در روز ۲۳ بهمن کارگران برای تحقق خواست های خود ژرفرمانداری متحصن شدند. فرماندار استان گساران برای درهم شکستن مبارزات

شورای کارگران پررژه ای (فصلی) گساران از ماه قبل در جهت تشکیل کارگران و پیشبرد مبارزه با آنان تلاش می کنند. کارگران با کارفرمایان و با کمترین امکانات سازمان متروکهای را بازسازی کرده و آن را به محل (کانون) شورا و مرکز جمع خود تبدیل نمودند. شورا برای احقاق حقوق کارگران به یکبار بارها با فرماندار، استاندار، امام جمعه و رئیس شرکت نفت تماس گرفت که بی نتیجه ماند. روز ۲۲ بهمن سالگرد قیام پرشکوه خلق های ایران طوسی راهپیمایی که با شرکت ۲۰۰۰ نفر از کارگران پررژه های ترتیب یافت و خواست های کارگران بدین ترتیب اعلام شد:

- ۱- ایجاد کار بدون سرمایه های امریالیستی، قطع دست پیمانکاران و دولتمندان
- ۲- پرداخت حق بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار
- ۳- تامین درمان رایگان برای عموم کارگران روزمندان
- ۴- کنترل قیمت ها مخصوص ارزاق عمومی به شیوه اصولی (شیوه های معمولی از قبیل پرونده سازی و تعقیب بازاریان و کسب خرد بها محکوم شده است)
- ۵- ایجاد شرکت ملی پررژه های ایران

در روز ۲۳ بهمن کارگران برای تحقق خواست های خود ژرفرمانداری متحصن شدند. فرماندار استان گساران برای درهم شکستن مبارزات

شوراء. جالب است بدانند که یک لیست از کاندیداهای مورد نظر خود را ارائه داد و تاریخ انتخابات را نیز مشخص نمود. ولی اکثریت کارگران معتقد بودند، از آنجائی که هیئت نمایندگان مورد تأیید آنهاست انتخابات حداقل تا عمده به تعویق بیفتد. چراکه مسائلی همچون طرح طبقه بندی مشاغل و خود و ویژه نهمال دوم پیش روی آنهاست. موسمی با پشت بهان بهراند از آنجائی که انجمن اسلامی با این نظریه مخالف بود، کارگران دست به جمع آوری موازیدند. از ۴۲۲ کارگر حدود ۳۷۴ نفر جزواضا کنندگان بودند. به این ترتیب هیئت نمایندگان موقت بهداز یکوقه کوتاه دوباره گسار خود را آغاز کرده است.

سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند

راهپیمایی چهارشنبه ۱۵ اسفند کارگران علیه امپریالیسم و سازشکاران یکباردیگر آگاهی و قدرت کارگران را به ما پیشگذاشت

حمایت مردم برخاسته بود. آنان پس از طی مسیر راهپیمایی در مقابل "مرکز جاسوسی آمریکا" اجتماع کردند. در آغاز "سرود کارگر" خوانده شد و سپس "حجرت الاسلام" موسیقی خوشینی سخنرانی کرد. خوشینی در قسمتی از سخنان خود گفت: باید کارگران ما بیشتر از هرکس، احساس دشمنی و خشم و کینه مقدس علیه امریکایی جهانخواار داشته باشند، که دارند.

در پایان قطعه‌نامه کارگران قرائت شد. در این قطعه‌نامه کارگران ضمن "ابراز انزجار شدید خوشی از امپریالیسم جهانخواار امریکا، خواستار قطع تمامی وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از امپریالیسم و استرداد شاه جهانپنکار و اموال به‌عبارت رفته مردم و ملی شدن کلیه "سرماها" شدند. در قسمت دیگری از قطعه‌نامه، کارگران بر امر "گسترش و حمایت همه‌جانبه از تشکیلات شوراهای و طرد سازشکاران از صفوف خود تاکید نموده و " ایجاد گسترش صنعت مادر و رشد صنایع ملی و در ارتباط با آن رهایی از قید صنایع وابسته و مونتازو برنامهریزی فاطمانه برای حل مشکل بیکاری" را خواستار شدند.

در پایان شرکت نمایندگان منتخب کارگران در تمام ارگان‌های تصمیم‌گیری مورد تاکید قرار گرفت و فاطمانه لغو" قوانین ضد کارگری" را خواستار شدند. کارگران اعلام کردند که "قانون کار جدید می‌باید توسط نمایندگان منتخب آنان تهیه و تدوین شود.

سرماها به داران لیبرال رادشمان انقلاب و زحمتکشان معرفی کردند و خواستار افشای آنان شدند. آنها نشان دادند که به راستی زحمتکشان بیدارند. و مصممند که برای ساختن ایران آزاد و دیموکراتیک تا به آخر به مبارزه ادامه دهند. این راهپیمایی نشئت محکمی بود بر سرماها و سرما به داران لیبرال و سازشکاران و بار دیگر علیرغم تمام سفسطه و دسیسه‌های جناب لیبیرال و سازشکار که با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دیگر امکانات تبلیغاتی خود می‌کوشیدند اهمیت افشاکاری‌های نیروهای ضد امپریالیسم و ضد انقلابیون کمونیست را می‌بیاکورد و سازشکاران و زحمتکشان را نسبت به آنان بدبین سازند. با بانکی رستار از بلندگوهای سازشکاران، خواست میلیون‌ها کارگر و زحمتکش ایرانی را در پشتیبانی قاطع از ادامه افشاکاری‌ها و حمایت از نیروهای ضد امپریالیسم و انقلابی اعلام کردند و آنرا اثبات نمود.

کارگران بار دیگر سرماها به داران لیبرال و سازشکاران نشان دادند که دیگر عوام فریبی‌های آنان نمی‌تواند امواج خروشان مبارزه ضد امپریالیسم مردم ایران را به بند کند و آن را مبارکند. کارگران نشان دادند که مبارزه ضد امپریالیسمی - دیموکراتیک مردم ایران را بر خروشان تر و پرتوان تر از همیشه موانع را درهم می‌کوبد و عمیق‌تر می‌شود.

کارگران که به سوی "مرکز جاسوسی آمریکا" راهپیمایی می‌کردند، در مسیر خود از

بعد از ظهر چهارشنبه ۸ اسفند ماه به دعوت "شوراهای اسلامی کارگران" هزاران تن از کارگران از نقاط مختلف تهران در میدان انقلاب و میدان امام حسین اجتماع کردند. تا علیه امپریالیسم امریکایی سازشکاران راهپیمایی کنند. کارگران در این راهپیمایی حمایت خود را از ادامه افشاکاری‌ها اعلام کردند و فاطمانه خواستار رادامه افشاکاری‌ها شدند.

کارگران ساکن کرج، شهریار، شهرری، ورامین و قمشا ق و دورافتاده تهران نیز در این راهپیمایی شرکت داشتند و با تمام وجود نفرت و انزجار و طبعه کارگرو زحمتکشان ایران را نسبت به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و دوستان و جاسوسان آنان ابراز می‌داشتند.

کارگران با فریاد "نه سازش نه تسلیم، نبرد با امریکا" "ترک بر امریکا، برگ بر سازشکار" "سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند" اراده خلبانان را به طبعه کارگر ایران را در پیشبرد مبارزه قاطع و بی‌گبر با امپریالیسم امریکا و جبهه سازشکاران و سرماها به داران لیبرال بیان داشته و نشان دادند که در جبهه نبرد با امپریالیسم امریکا و طبقه سرماها به داران که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیوند دارد طبقه کارگر در جبهه مقدم این مبارزه قرار داشته و تنها نیروی است که خواهان پیشبرد این مبارزه بطور بیکر و تا به آخر می‌باشد.

کارگران با هوشیاری انقلابی و به درستی، سازشکاران

کارگران طرح شورای انقلاب دربارهٔ سود ویژه را رد کردند و آنرا ضد کارگری دانستند

اعلام نظر شورای انقلاب راجع به سود ویژه و ابلاغ به وزارت کار برای اجرائی آن در کارخانجات فکس العمل‌های متفاوتی را در میان کارگران برانگیخت. از آن جمله در کارخانه تولیدی ساکا، سند پیکای کارگران که مورد حمایت اکثریت کارگران است تصمیم گرفت طی جلسهای با شرکت کارگران طرح شورای انقلاب را مورد بررسی قرار دهند. در این جلسه که با حضور ه کارگر برگزار گردید، کارگران و نمایندگان آنها، ایرادهای زیر را به آن وارد می‌دانستند: ۱- شورای انقلاب طرحی را ارائه داده است که در زمان طاغوت و به وسیله مجیدی‌ها و معینی‌ها تهیه شده است. ۲- شورای انقلاب طرحی در شرایطی که همه جا صحبت از مبارزه با امپریالیسم جهانی و سرما به داری وابسته است چیزی نیست جز تشبیه قوانین نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ۳- با توجه به افزایش هزینه زندگی که بیشتر من فشارش بر روی کارگران زحمتکش مینماید می‌باشد و از طرفی ما هر روز شاهد بالا رفتن نرخ ارزاق عمومی هستیم، مبنای حقوقی سال ۱۳۵۶ نمی‌تواند ملاک قرار گیرد. چرا که تخم مرغی که سال گذشته دانهای ۵ ریال بود امروز اگر پیداشود ۱۵ ریال است. بنابراین مبنای حقوقی باید بر اساس شرایط موجود یعنی سال ۱۳۵۸ باشد. ۴- حق نظارت و پرداخت سود ویژه را به سرپرست‌ها و دیگر عناصر کارفرما واگذار کرده‌اند. در حالی که کارگران بهتر از هر کس می‌دانند که در رژیم سابق سرپرست‌ها و دیگر عناصر به خاطر خوش خدمتی به کارفرما حق رانناحقی می‌کردند. بنابراین سود ویژه

باید با نظر کارگران و به وسیله شوراها و سند پیکای واقعی پرداخت گردد. مسئله انضباط و بهره‌وری در طرح شورای انقلاب باعث می‌شود که بهین کارگران دود سنگی افتاده و بدین ترتیب کارگران رودر روی هم قرار گیرند و این کار باعث لطمه زدن به اتحاد و تشکیلات کارگران می‌شود. با ذکر دلایل فوق در آن جلسه کارگران طرح شورای انقلاب را رد کرده و آن را ضد کارگری دانستند. کارگران از بند پیکای خواستند که سود ویژه بدون کم و کاست و ۱۰۰ روز بدون مالیات و بر مبنای حقوقی کارگران در سال ۱۳۵۸ پرداخت گردد و اگر غیر از این باشد، کارگران زیر بار این طرح طاغوتی نخواهند رفت چرا که سود ویژه چیزی نیست جز قسمتی از حقوق کارگران که رژیم گذشته آن را برای فریب کارگران به شکل سود ویژه پرداخت می‌کرد. تا شدت استثمار را بیشتر کند. بعد از پایان جلسه کارگران این مسئله را با کارگران کلیه قسمت‌ها در میان گذاشتند سپس این خواست خود را طی طوماری امضاء شده به اطلاع هیئت مدیره سند پیکارسانده و از آنها خواستند که به خواستایشان رسیدگی کنند. نمایندگان کارگران طی چند روز مذاکره با مدیریت سرانجام موفق شدند که طرح خودشان را در مقابل طرح شورای انقلاب و سود مدیریت تحمیل کرده و سود ویژه خود را بر مبنای حقوقی سال ۱۳۵۸ و ۱۰۰ روز بدون مالیات دریافت کنند. سود ویژه در تاریخ ۲۱ بهمن ۵۸ بر اساس طرح کارگران و نظارت آنان به وسیله سند پیکای کارگران پرداخت گردید.

آیا بیکاران نباید عید داشته باشند؟

رئیس جمهور چیز دیگری تشدید می‌کند. همانطور که در نامه سرکشاده نوشته بود، ما دو هفته به رئیس جمهور ملبت دادیم ولی به وضع مانوجه نشد. خواست حداقل ما ۱۰ هزار تومان وام " برای گذراندن شب عید می‌باشد. کارگران بیکار تهران

کشم. لاقال عبد راهپیش خانواده خود شرمند بنامش. در یک سال گذشته ما از دولت موقت و شورای انقلاب جز وعده و وعید هیچ، توطئه‌های تفرقه افکنانه و کشتار و مارک زدن چیز دیگری ندیده‌ایم. پس از مراجعات مکرر به دفتر رئیس جمهور جز جواب در تلویزیون که باز وعده و وعید بود و جواب سر بالا آقای موفی رئیس دفتر

دوستان کارگزار ساختن ما کارگران ساختمان‌ساز در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۵۸ نامه‌ای سرکشاده به آقای بنی صدر، رئیس جمهور نوشتیم. در آن نامه از بی‌بست جمهوری خواستیم که به توجه به گرانی و فشار زندگی و فرارسیدن عید نوروز ما احتیاج داریم کفش و کلاهی برای فرزندان خود، قوت لایموتی برای دلبندان خود تهیه

شورای کارگران پیروزمای کجساران ... بقیه از صفحه ۶

شدند. فردای آن روز گروه‌های مختلف دانشموزان و کارگران شغل صنعت نفت به جمعی متخصصین پیوستند. ظهر روز شنبه ۲۷ بهمن سرما به داران و حامیان مزدورشان عده زیادی از عشایر ناگاه را تسلیم و بسج کرده و کارگران را از دو طرف تحت محاصره قرار دادند. سپاه پاسداران نیز در این محاصره شرکت نمود.

انگاه فرماندار رودادستان به محل تحصن آمدند و ظاهراً جهت مذاکره با ما علاوه فحاشی و تهدید پرداختند. دادستان به ما پندگان کارگران اظهار داشت که اگر شما شکتستن تحصن را اعلام نکنید ما با هزار عشار مسلح آماده مقابله هستیم. کارگران برای جلوگیری از تشنج و درگیری به تحصن خود خاتمه دادند.

بر خورد قاطع شورای انقلابی کارخانه «ایرفو» با شورای انقلاب اسلامی ایران تجلی قاطعیت طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه دار

شورای انقلاب که در مباحثات و مذاکرات جاری نتوانسته بود شورای انقلابی کارخانه را فریب دهد و مطیع سازد، به همراه اکثری شورای کارخانه را متهم می کند که شورا نماینده کارگران نیست. شورای کارخانه خواستار تحقیق نمایندگان شورای انقلاب از کارگران می شود. کارگران در مقابل نمایندگان اعزامی شورای انقلاب چنین گفتند: "ما شورا داریم. حرفشان حرف شورا است. چیزی بهیچ این نداریم که بگوئیم، به شوری خویش ایمان داریم. اگر زمانی هم شورا به منافع مسا پشت کرد، آنوقت طوردیکوری یا شورای کارخانه رفتار خواهد کرد." شورای انقلاب اسلامی وقتی نتوانست کارگران را مطیع خویش سازد، راه سکوت و عدم رسیدگی را انتخاب کرده و رسیدگی به خواست کارگران را پشت گوش انداخت. شورای کارخانه طی نامه ای از مهندس بازرگان خواست که به نمایندگان شورا ملاقات کند. بازرگان در ددقیقه وقتی که داد کارگران را متهم کرد که در کار مدیرعامل و هیئت مدیره دخالت بی مورد می کنند و این دخالت عملاً "اخلالگرانه" است. شورای کارخانه پس از بی نتیجه ماندن مراجعات مکرر به شورای انقلاب، اداره کار و غیره و پس از مذاکرات با بازرگان و دیگر مقامات مملکتی که بی نتیجه پایان می گرفت، برای اتخاذ تصمیمات لازم، کارگران را احضار کرد و طمی مباحثاتی قرار بر این شد اگر موجودی شورا آزاد نشود کارگران موظفند با لباس کار و عکس سهام داران کارخانه که خود مقامات عالی حکومتی هستند، به محل شورای انقلاب و از آنجا به قم راهپیمایی کرده و پیش امام بروند و سهام داران حامیان آنها را در پیشگاه مردم رسوا کنند. تصمیم قاطع شورای کارخانه و حمایت بی دریغ کارگران از آن، مدیرعامل سابق و سهام داران و شورای انقلاب را به وحشت انداخته و به ناچار، قلیزاده موجودی مسدود شده آزاد کرد.

از سوی دیگر شورای انقلاب برای جلوگیری از راهپیمایی به قم، تلفنی به کارخانه اطلاع داد که نظرات شورای کارخانه را می پذیرد. اکثری مدیرعامل جدید به کارخانه اعزام شد تا زیرنظارت عالی شورای کارخانه به کار و فعالیت بپردازد. بدین ترتیب شورای کارخانه در دوران مبارزه، بر دسامبر و توطئه های سرمایه داران لیبرال غلبه کرده و پیروزی خود، مدیرعامل جدید بعد از نزول اجلال به کارخانه از مفتخوران به نام حبیبی (مدیر امور مالی) و سیزنی (کارمند دادگستری) را که بعد از تشکیل شورای انقلابی کارخانه فرار کرده بودند، بدون اطلاع شورا به همکاری دعوت می کند و قول می دهد که حقوق ۲۲ روزی را که در کارخانه نبرده اند به آنان پرداخت کند. کارگران که بارها دیده بودند که اگر سه روز سرکار نیابند اخراج می شوند، از کار اشتري خشکین شده هر سه نفر را دستگیر و زندانی می کنند و مجدداً از اشتري می خواهند که زیر نظر شورا کار کنند. متعاقب اقدام کارگران نماینده دادستانی به همراه ۱۲ پاسدار به کارخانه می آید و پس از تهدید شورا وقتی که می بینند نتیجه ای از آن به دست نمی آید، بر اثر مقاومت شورا سه نفر را آزاد می کنند. شورا در تاریخ ۱۵ دیماه بازگشت اشتري به کارخانه را مشروط به پذیرش کتبی خواست های زیر از جانب او می کند:

- ۱- پرداخت سود ویژه تسا آخر ماه
- ۲- تامین مواد اولیه در فاصله ۱۰ روز
- ۳- مدیرعامل موظف است حداقل یکسال، روزی ۸ ساعت در کارخانه کار کند.
- ۴- به کنترل مالی و حسابرسی شورا پاسخ دهد
- ۵- زیر نظارت شورا کار کند.
- ۶- تأیید و امضای شورا را زیر برگ خروجی محصولات فروخته شده بپذیرد
- شورا در مقابل مخالفت مدیران عامل و هیئت مدیره،

از وزارت صنایع و معادن خواستار ملی شدن کارخانه می شود. قلیزاده که در مقابل خواست های جبهه شورا قرار گرفته بود، در تاریخ ۱۲ دیماه، بخشنامه تهید بدآمیزی صادر می کند (سند شماره ۳) و طی آن کارشورا را "غیر قانونی" اعلام می کند.

کارگران پس از شنیدن این مطلب به خشم می آیند. سه دفتر کشت و صنعت کارون رفته، پس از ورود به ساختمان برق و تلفن را قطع می کنند. کارگران پس از گوشمالی عوامل مدیرعامل، قلیزاده و اشتري را دستگیر و به کارخانه می آورند. قلیزاده که زبون شده بود، از کارگران می خواهد در چهارچوب قانون اساسی اقدام کنند. کارگران با اعلام اینکه دولت و قوانین و مصوبات آن متوجه تأمین منافع سرمایه داران است؟ مدیرعامل را به پذیرش خواست شورای کارخانه و اطاعت از آن دعوت می کنند. مهندس بازرگان در دفاع از شرکاء خویش با کمیته مرکزی تماس گرفته و با بسیج کمیته ها و پاسداران کارخانه را

سند شماره

تاریخ: ۱۳۵۸
شماره: ۳

۱- ارجاع امر به کمیته مرکزی کارخانه برای رسیدگی به درخواست کارگران
۲- دستور به مدیرعامل جهت پرداخت حقوق و مزایای کارگران
۳- دستور به مدیرعامل جهت تامین مواد اولیه در مدت ۱۰ روز
۴- دستور به مدیرعامل جهت کنترل مالی و حسابرسی شورا
۵- دستور به مدیرعامل جهت پذیرش خواست های شورا

مدیرعامل: ...
رئیس هیئت مدیره: ...
رئیس کارکنان: ...

کروگان خواهند داشت. استواری و قاطعیت شورا به کارگران نیروی جبهه ای داد کارگران خشکین فرستاد می زند. "ما پاسدار نمی خواهیم" - پاسدار از محوطه اخراج باید گردد. در نتیجه مقاومت کارگران نماینده کمیته ۱۲ خواستار مذاکره با شورای کارخانه شد. کارگران که صحبت های پکا ه پیش او را به خاطر داشتند، فریاد می زند که "ما به شما ایمان نداریم" نماینده کمیته ۱۲ در نتیجه مقاومت کارگران و حمایت مردم محلات مجاور به ناچار کار با پاسداران ارتجاعی را محکوم می کند. شورا پس از این امر مذاکره را می پذیرد و پس از پایان مذاکرات مهندس قلیزاده در برابر شورا کتبا تعهد می کند:

- ۱- اشتري از مدیریت عامل کارخانه برکنار شود.
- ۲- قلیزاده هفته ای نصف روز به شرکت آمده و زیر نظر شورا با آن همکاری کند.
- ۳- شورا نظارت عالی بر کارخانه داشته و تام الاختیار می باشد. تمام مسئولیت های ناشی از اداره کارخانه به عهده شورا است.
- ۴- اگر امضاء شورا زیر اسناد شرکت نباشد، اسناد از درجه اعتبار ساقط است
- ۵- یکی از حسابران به سمت مدیر امور مالی پذیرفته می شود. (این حسابرس توسط قلیزاده تحت فشار قرار گرفته بود)
- پس از توافق کتبی شورا با قلیزاده، شورا دستور آزادی سرمایه داران را صادر کرد و دوم مبارزه خود را با پیروزی به پایان می رساند.
- قاطعیت شورای کارخانه رهبری اصولی مبارزه کارگران به وسیله شورا، ضمانت کامل کارگران از شورا، در مجموع سبب پیروزی شورا بر شورای انقلاب، دار و دسته بازرگان پاسداران و کمیته ها می شود. به پاسداران در مسیر مبارزه ویژه که کارگران در مسیر مبارزه خویش به پاسداران نشان دادند که این قانون سرمایه داری است که آنان را به پاسداران منافع سرمایه داران تبدیل می کند.

پرو توان با جنبش طبقه کارگر، پیستاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



یورش وحشیانه پاسداران کمیته ۱۰ تهران

به کارگران کارخانه حریر

وهرکس به نحوی آن را بسازد
می‌کند. کارگری از یک کسی از
سنگبری ها خود را به آنجا
رسانده بود. در همان جمعیت
فریاد می‌کرد:

"این اسلحه‌ها را سال پیش
خود ما به دست آنها دادیم.
اما امروز ما همین اسلحه‌ها را
سر ما می‌زنند. امروز کارگران
حریر و خنجر را فریاد می‌زنند
ماست"

کمیته‌های خود را در میان
انبوه جمعیت خشکین می‌بینند
هر یک چیزی می‌گوید. اما همه
یکصد در سرزنش و تقیب و تضحیح
کمیته‌های هاست. راننده یکی از
ماشین‌های کرا به با عصابت
و فریاد پیش می‌آید و از مردم
استدعا می‌خواهد که کارگران
زخمی را به بیمارستان برسانند.
از روبرو کمیته‌های می‌کنند و
می‌گوید:

"اگر دست به اینها بزنید
(با اشاره به نمایندگان که کف
خیابان افتاده اند) خونشون
گردن خودتون."
سپس با یک جمعیتی از
مردم، نمایندگان را در ماشین
می‌گذارند و با عجله و سرعت
هرگز از ترک می‌کنند.

کمیته‌های احساسی رسید
بودند و به استیصال خود را از
میان جمعیت دور می‌کردند.
کارگران به شورش در میان جمعیت
علت را توضیح می‌دادند و مردم
والین و نفرین کارفرما را
کمیته‌های هارا می‌کردند.
همه از خشم سرشار
بودند.

وحشیانه تعداد بیشتتری
کمیته‌چی، دست‌های زنجیر
شده بازمی‌شود و تعدادی از
کارگران به زمین می‌غلتند.
در این هنگام تصمیم‌داری از
کمیته‌های ها به‌زبان می‌نشینند
و با دستور مکرر "ایست رگبار
سلسل را به آسمان می‌بندند.
صدای شلیک بی‌دری گلوله
و جنگ و گریز کارگران با
کمیته‌های در خیابان انبوهی
از کارگران کارگاه‌های
سنگبری‌های آن اطراف و کسبه و
پیشه‌وران را سراسیمه به خیابان
کشانند. یک ماشین، که مأمور
دستگیری نمایندگان شده بود
به سرعت در طول خیابان به
سمت نمایندگان حرکت می‌کند و
با موتور در جلوی آنها متوقف
می‌شود. خیابان کاملاً پاره
آدم‌هاست. مسافران و رانندگان
ماشین‌هایی که در دو سوی
خیابان ایستاده بودند، به
سمت آنها می‌آیند. دونا پنده
خود را بر کف اسفالت خیابان
می‌اندازند. کمیته‌های هابه دور
آنها حلقه می‌زنند. پاسداری،
کلت خود را بر شقیقه یک کسی از
نمایندگان می‌گذارد و با پیش
دیگری راز بر لگدم می‌کشد.
هر آن بر جمعیت افزوده می‌شود.
خشم و نفرت جمعیتی که آنجا
بودند، هر آن گسترده‌تری شد

فریب خورده، شرایط مناسبی
برای دخالت کمیته‌ها فراهم
می‌آمد. کارگران بلافاصله
دستها را بهم زنجیر کردند و
نمایندگان را در وسط جمعیت
قرار دادند. سمارگر فریب
خورده پیش آمدند تا به جمع
کارگران حمله کنند. اما یکی از
همان کارگران با فریاد و
خشونت در میان حال به شیوه
آگاه‌گانه با آنها صحبت کرد.
وی به آنها گفت که چگونه
فریب توطئه‌های کارفرما را
خورده‌اند. دونا فراز آسان در
حالی که به شدت متاثر شده
بودند و گریه می‌کردند، خود
را کنار کشیدند و رفتند. اما نفر
سوم به چند تن از کارگران
حمله کرد. با حملات شخصی
کمیته‌ها هم شرایط را آماده
دیدند و با قنداق تفنگ،
مشت و لگد به کارگران حمله
کردند. مقاومت و پایداری
کارگران و اتحاد و همبستگی شان
بی‌نظیر بود. با وجود اینکه
دستهای زنجیر شده کارگران
زیر ضربه قنداق تفنگ قرار
گرفته بود و حتی خون از
دستان جاری شده بود،
همچنان، مقاومت می‌کردند و
نمایندگان را در حلقه خود
گرفته و از آن محافظت
می‌کردند. بالاخره با پاسور ش

کارخانه خارج کرده و باز داشت
کنند. آن دو با مشاهده این
وضع دفتر را ترک می‌کنند و به
جمع کارگران می‌پیوندند. در
این موقع حدود ۵ نفر کارگر در
کارگاه مشغول کار بودند و در
حدود ۴۰ نفر از کارگرانی که
فحالتی از نمایندگان حمایت
می‌کردند در یکی از قسمت‌های
سالن جمع شده بودند و منتظر
روشن شدن تکلیف خود بودند.
دو کارگر آگاه نیز پس از ترک
دفتر به جمع آنها پیوستند.
کمیته‌ها با دیدن این وضع
دور این کارگران حلقه زدند
در حدود نیم ساعت پخت و
مجادله در میان آنها جریان
یافت. بحث‌ها بی‌نتیجه
پیرامون این بود که کمیته‌ها
می‌خواستند از طریق حمله و
فریب دو نماینده را از
کارخانه خارج کنند. وقتی
کمیته‌ها دیدند که از این
طریق نمی‌توانند نمایندگان را
دستگیر کنند، متوسل به
شیوه‌ای شدند که به احتمال
زیاد از قبل پیش بینی کرده
بودند. یعنی چند نفر از کارگران
فریب خورده طرفدار کارفرما را
صد کردند و علناً به آنها
دستور دادند که به جمع
کارگران حمله کنند. روشن بود
که با حمله این عده کارگر

روز شنبه ۱۳ اسفند
کارگران وارد کارخانه شدند، ۲۵
نفر از اداره کمیته ناحیه ۱۰ به
همراه گروه‌های ضربتی از
پادگان‌های مشرت آباد و
سلطنت آباد در کارخانه مستقر
بودند. پس از ورود کارگران به
کارخانه، ابتدا افراد کمیته برای
اینکه بتوانند کارگران را از هم
جدانجا جدا کنند آنها را
تقلیل دهند، گفتند: "کارگران
صبح کار به سر کار بروند و کارگران
شیفت بعد از ظهر بروند و وقت
کار خود بمانند."
اما تمام آثار و علائم نشان
می‌داد که این حرف برای تقلیل
تعداد کارگران گفته می‌شود و در
پس آن چیزی نرفت است. از
همین رو کارگران به شورش و این را
نپذیرفتند و گفتند: "بعد از
اینکه ما محیط کارخانه را ترک
کردیم و رفتیم ما هم در
شیفت‌های خود کار خواهیم کرد.
کمیته‌های هاهو وقت با مقاومت
کارگران روبرو شدند، دونا فر از
نمایندگان فعال را به دفتر
کارخانه بردند و گفتند: "شما
را اینجا نباید بگذاریم اما
موقتاً در همین جا (دفتر) بمانید"
دو کارگر آگاه قبول کردند و
در دفتر نشستند. اما پس از
مدتی متوجه شدند که کمیته‌ها
قصد دارند آنها را از در پشت

نامه یک کارگر بیکار از یانچی آباد

۲۲ سال دارم، از چه‌های
یانچی آباد تهران هستم. بسا
عاشق و بدلم و بیگانه...
مدتی است که بی‌قرار برای
یافتن کار به هر سو می‌گردم
و هر گاه اسمی از کارشناس
می‌شنیدم، کفش و کلاه
می‌کردم و راهی می‌شدم ولی
هر باز دست از پادرازیتر بسا
انتهی از قرض و شرم به خانه
باز می‌گشتم. ولی این به آن
حالت نبود که من برای پول و
درآمد تن به هر کاری بدهم.
درست است که من شرم داشتم
اما شرف هم داشتم و تمام
وجودم عشق به طبقه خودم

یعنی طبقه کارگر بود.
چندی پیش شنیدم که سپاه
پاسدان منطقه ۱۳ عده‌ای را
برای وزارت صنایع و معادن
گیلان استخدام می‌کند. ما نیز
استخدام شدیم. به ما گفتند
کار شما نگهداری است. سه ساعت
روز و سه ساعت شب و وابسته
به هیچ‌کس نیستید. (منظور
سپاه پاسداران و کمیته بود.)
۱۳ نفر از ما که بیشتر از
یانچی آباد و نازی آباد
بودند، انتخاب کردند و چند
روز بعد ما را به چوکا
(بالا تر از بندر انزلی) فرستادند
اما برای من این سؤال مطرح

شده بود که چرا اینها از تهران
پاسدار برای کارگران می‌برند.
باد زمان شاه اقدام که برای آن
تهرانی را به کردستان می‌بردند
و کردها را به تهران برای
سرکوب می‌آوردند.
به تهران می‌آیدم با همان
مسئله همیشگی جامعه
سرمایه داری، فقر و بیکاری
هزاران بدبختی دیگر. اما
این بار در پیش خود سربلند
بودیم.
به راستی این مزدوران چه
فکری کردند؟ باید بگویم ما اگر
علت است که نمی‌خواهیم نان
بی شرافتی را بخوریم.
اما ایان چه‌کسانی هستند
که فکری کنند چون ما جوانانی
با ایمان هستیم، می‌توانیم
آلت دست آنها باشیم؟

کارگران اینجا عده‌ای ساواکی
و ضد انقلاب و کمونیست نفوذ
کرده و اخلاص می‌کنند. شما
باید جلوی اینها را بگیرید.
که با اعتراض ما روبرو شد.
علت اصلی اعتراضات
کارگران کارخانه اخراج عده‌ای
از کارگران بدون مزایا و عقب
افتادن حقوق بود و وقتی ما
گفتم:
"کارگری که اخراج می‌شود
با باید باز خرید و با باز نشستن
شود."
سروان با عصانیت گفت:
"شما هم که حرف‌های آنها
را می‌زنید."
فردای آن روز اخلاقی به ما
گفت:
"از تهران تلفن شده که شما
باید برگردید و در یک زمان
دیگر مراجعه کنید."
حالا به خوبی برام روشن

بود که چرا اکنون که درسراسر
ایران بیکاری هست، اینها از
تهران استخدام می‌کنند و از
همان گیلان استخدام نمی‌کنند
در کارخانه چوکا شروانی به
نام اخلاقی آمد که در پاره‌کار
ما صحبت کند که اول شروع
کرد به نفس و بدوی به گفتن
به کارگران و بعد ما گفت:
"شما به اسلام و انقلاب
ایمان دارید و اجازه نمی‌دهید
کسی به اسلام حمله کند."
اخلاقی ادامه داد و گفت:
"محافظة از کارخانه در
مقابل تظاهرات کارگران،
محافظة از اسلام و انقلاب
اسلامی نیز هست
و بعد گفت:
"اینها حتی پاسداران
انقلاب را هم قبول ندارند،
یعنی چه؟ یعنی امام راهم
قبول ندارند. در شروانی

به دعوت مشترک سندیکای کارگران خیاط و سندیکای کارگران کفاح جشن بزرگداشت قیام برگزار شد

از یکسو توسط سرمایه‌داران
لبرال تهدید به انحسار
می‌شود و از سوی دیگر بخشی از
روحانیت حاکم توانایی عمیق
بخشیدن به این مبارزات را
ندارد. تنها تانین رهبری
طبقه کارگر برجینش است که
می‌تواند این مبارزه را به
انجام رساند.

از طرف سندیکای کارگران
قناد و کارگران پیشرو بافنده
سوزنی قراشت گردیدند. در
قسمتی از بهام سندیکای
کارگران قناد آمده‌است:
"در شرایط فقدان رهبری
طبقه کارگر، مبارزات ضد
امپریالیستی-دموکراتیک خلق
ما که هر روز اوج تازه‌ای می‌یابد

از قبیل "امپریالیسم خونخوار
همیشه دشمن ماست"، "مرگ بر
آمریکا"، "افشای امریکائی باید
ادامه یابد" در آسمان وطن
می‌انداخت. مبارزات و عزم
کارگران در عمق بخشیدن به
مبارزات ضد امپریالیستی-
دموکراتیک بود.
در این گردهمایی بهام هاشی

و کلیه مبارزین که برای بنای
ایرانی آزاد و دموکراتیک جان
خود را فدا نمودند. مقالات
متعددی از سوی کارگران
خوانده شد که در آنها علت
قیام و چگونگی مبارزات
توده‌های مردم پس از قیام
تحلیل گردید. فریاد‌های
برخروش کارگران که با شعارهای

صدها نفر از کارگران محوف
خیاط و کفاح به مناسبت
حمله تاریخی خلقهای قهرمان
ایران، قیام ۱۳۰۷،
مراسم بزرگداشتی برپا نمودند
در این مراسم که در تاریخ ۱۹
بهمن ماه و در محل سندیکا
برپا شد، ضمن تجلیل از
شهدای قیام پرشکوه بهمن ماه



ده روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی در گنبد

(قسمت سوم)

گزارشی که سومین قسمت آن را می خوانید، یادداشت های یکی از هواداران سازمان است، که در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی بود و ما عین یادداشت ها را تماما به چاپ می رسانیم.

جرم نیست. من توی روستاها جاده می کشیدم. تهرانی پرسد: بولدزر مال کی بود؟ - مال ستاد. - پولش را از کجا آورده بودند؟ - از ۲۰٪ خریدها بودند. برای روستایی ها جاده می کشیدند. نمیدرسد روستایی ها جقدر خوشحال بودند. هر جایی می گوتی دهات حلوی بولدزر گوسفند می کشند. تهرانی حسابی عصبانی شده بود. به کاشن تن راسته اشاره کرد. - احتالین راهم از ۲۰٪ نبرایت خریدند. - نه قربون. من ماهی سه هزار تومان پول می گرفتم. من واسه شیرازها جاده می کشیدم. تهرانی فریاد زد: - نه. با بولدزروا سوانا سنگر می کشی. فهمیدی پانه؟ واسه دشمن سنگر می کشی. - نه خبر واسه دهقانان جاده می کشیدم. - نه سنگر می کشی. - سنگر چه؟ چرا دروغ می گی؟ من رفته بودم تهران واسه بولدزروا سیل بخرم. تازه برگشته بودم از مینی بوس پیاده شدم. داشتم می رفتم خونه جلو می گرفتند. یکی منو کشید عقب به پاسدارها گفت: - این بولدزروا ستاد دهنده مام. من گفتم: - معلومه که دیدی. من راننده بولدزروا هستم. دیگه شوق لغزیده نگردی. مرا هول دادند در روی خاکها بعد گلنگدن را کشیدند. فحش دادند. گفتند "الان می بندمت به رگبار زخم صدای منوشنید. اومسد بیرون جمع کشید. هولش دادن تو. دروستتد. من ۹ نفرو نون می دهم. تهرانی گفت: - سه دیگه. - چی بنده؟ از حلوی خوسه تا اینجا منورند. توی سرم. توی شکم. توی پشتم.

با ما به پا چریکیم. از کوچه پس کوچه ها می رویم می زنیم وسطشون. پاسداران که متوجه کنجکاوای ما شده بودند، پرده های پارچه ای آوردند و از بیرون پنجره ها را بستند. دیگر جانی زانمی دیدیم. از آن پس فقط یک چیز زانمی کشیدیم. حمله ای که در سرنا سرشانه روز تکرار می شد. - میرپور فشنگ... - میرپور خشاب... - میرپور نارنج... - میرپور خشاب... - توهی فشنگ میدی آخه. منگ وقت ندارم خشاب پرکنم. خشاب... خشاب... نارنج... حدود ظهر بود. یک نفر دیگر را آوردند. چشم هایش را بسته بودند. ۴۰ ساله بود. خیلی قوی هیکل و تنومند. دستهای بزرگی داشت. پوست پلنگی هم آمد. بهمه هاد که پیشش می گفتند تهرانی رو کرد به زندان استی جدید و گفت: - چشم تو بازکن. دستمال را از چشمش باز کرد. آورد جلو و به تهرانی گفت: - پاسداران. - با ساداران. تهرانی گفت: - با ساداران. - با ساداران. - با ساداران. همه مقصودش را فهمیدند. دستمال خال خال سیاه داشت شکل دستمالی بود که به چشم شهیارنا هید بسته بودند. تهرانی رو کرد به من و گفت: - این رفیقت هم تیسوی ستادگاری می کرد. رو کرد به اون. - خوب برای رفقا چکار می کردی؟ - راننده بولدزر بودم. چند بار به خیابان سازندگی مراجعه کردم. کار بهم ندادن. ستاد شوراها کار داشت. منم رفتم آنجا. تهرانی گفت: - کار؟ بعله. کار "که داشت. پس کار" هم می خواندی. خوب دیگه بگو. - من نمی فهمم. کار که

بهرون می آورد که به طرف صفر مردم میدادند. عده ای مام او می شوند. نارنجک چند دشت می گرد و فسیان خودشان منفر می شود و همین مسئله به نامی می شود به دست آنها می آید ماده جنگ بودند. آ ماده بودند تا به صف مردم زحمتکش حمله کنند. آن شب تا صبح صدای گلوله یک یک دم قطع نشد. صبح بکشند خونریزیست پاسداران پیش از همیشه بود. همه خسته بودند. همه در حین راه رفتن جرت می زدند. نزدیک های ساعت ۸ عده زیادی از ترک آباد به راه آمدند جلوی ستاد شروع به داد و فریاد کردند که به ما اسلحه بدهید. پاسداران اول می خواستند آنها را بفرستند سراغ ارتش. میرپور می گفت: - بروید از ارتش بگیری. ما هر چه داریم برای خودمان لازمه. یکی از آنها سرک کشید توی انبار. - اگه می، خدایا ما سرز این همه فشنگه، چرا حرم من می زنی. خلاصه هر ترتیب بود می زدیم. ۴-۵ نفر اسلحه گرفتند. صبح کشید بودند. میرپور توی انبار بود. یک پاسدار امضا می گرفت و پاسدار دیگر فشنگ می داد. ادامه صف درست از پشت اطاق وارد می شدند. آهسته آهسته صحبت می کردند یکی از بچه ها ترجمه کرد. به هم می گفتند: - فشنگها را که دیگر پس نمی دهیم. فشنگها و نارنجها رو هم تا می تویم حرام نکنیم. فشنگها را دانهای ۳۰ تومانی خرند. بعد می فروشیم. یکی می گفت: - من دوتا نارنج قاچاقم کردم. آنها فشنگها را گرفتند و رفتند. اما هر ساعت بر می گشتند و فشنگ می خواستند. شاپسدر همان یک روز ده بار مراجعه کردند. میرپور می گفت: - آخر این فشنگها کجا میره؟

بزشکبار گفت: - مرام به خودم مربوط است. عقیده آزاد است و به کسی مربوط نیست. بی اختیار باد دکتر شونصد افتادم. پیش خودم چند بار تکرار کردم کتک به دشمن. کتک به دشمن پاسدار پوست پلنگی که توقع چنین برخوردی را نداشت وقتی دید حسابی عیبط شده. است. برای لایوشانی کردن قصبه به طرف من چرخید و با حالت مسخره ای گفت: - راستی رفقا بیت کجا هستن؟ همانا که فرار کردند. با بی اعتنائی نگاهش کردم - نمیدانم. - ولی من می دانم. الان توی سنگر هستن و دارن می جنگن. خبره نگاهش کردن و دارن می جنگن. دندان هایش را به هم فشرد و گفت: - شانس ما رن زنده دستگیر نشن. دست روی نارنجک کمزش کشید. دوباره رو کرد به پزشکبار و گفت: - بسیار خوب. اگر زنده از این جمارتی شهاکرتو برای رفقا تعریف کن. دوباره در بار زد و یک نفر دیگر را آوردند. دهقان بود. گفتند اسلحه داشته است. یکی دیگر را آوردند. محصل بود. او را جلوی دروازه گنبد توی مینی بوس پرگرفتند. آمده بود از صحنه های جنگ عکس بگیرد که پاسداران دستگیرش کرده بودند. پاسدار پوست پلنگی باز جوی او را غاز کرد. محصل روحیه اش خوب بود. از این که بگوید چی است و هوادار فدائی و همه ای نداشت آن شب چهار نفر شدیم. پاسدار پوست پلنگی که رفت خبرها مثل بروی زد و بند شد. تازه فهمیدم در شهر چه گذشته است. مهمترین خبر قضیه نارنجک بود که قبلا پاسداران اشاره کرده بودند. موضوع از این فرار بود که در جریبان راهپیمایی از میان گروهی از عناصر مزدور و وابسته به سرمایه داران و زمینداران که قصد خون کشیدن راهپیمایی مردم ترکمن را داشتند. یک نفر نارنجکی

بعد از ظهر وقتی از پاسدار محافظ خود سؤال کردم، پاسداری گرفته ای گفت. - مدتهاست جنگ شده. از ظهیر بعد آنچه بنا بد بشود شد. هنگام غروب بود. در باز شد و همان پاسدار پوست پلنگی با یکا سرور آمد. اسیر لبهاش خاکی بود. چشم هایش را بسته بودند. او را کنار دیوار نگذاشت و خودش روی صندلی نشست. با خشم سیگاری آتش زد و بعد با یک حالت مصنوعی بلند شد. چشمان او را باز کرد. سستی می کرد خیلی شمرده حرف می زد. گفت: - خوب توجه کن. اگر یک کلمه دروغ بگی، با عوضی صحبت کنی، فقط یک گلوله توی مغزت خالی می کنم. فقط یک گلوله از صبح تا حالا دنبال تو بودم. بگو بینم از پروژ کجا رفتی و چه کارها کردی؟ جوانی بود قد کوتاه. ۳۰ ساله به نظر می رسید. سیبل پریشانی داشت و شبیه ترکمن ها نبود. خیلی خونسرد و با شها مت جواب داد: - من یک پزشکبار هستم. برای من فرق نمی کند مریم شمه یا شادی، زرتشتی یا شاد یا کلبی، چپی یا شاد یا راستی. این طرفی ها مریم ها یا شاد مرتب به بیمارستان می رسانند. اما از آن طرف هیچ خبری را قبول نمی کردند. دو نفر که در تخصص تیر خورد بودند. توی بیمارستان بود. بیمارستان. ستاد میولانس توی بیمارستان بود. نگذاشتند میولانسها بیرون و آنها را بیرون رفتند. گفتم یک میولانس به من بدهید. بروم زخمی ها را بیارم. گفتم میولانس نداریم. من رفتم و با یک ماشین تویوتا که مال یکی از دوستانم بود زخمی ها را آوردیم بیمارستان. می دانی که یکی از زخمی ها نرسیده به بیمارستان مرده بود. آن یکی هم وضعش خیلی خراب است. پاسدار از حاشی پرید و فریاد زد: - جی کتک. کتک به دشمن. بسیار خوب. لابد فدائی هم هستی.

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



سه قاتیک برخوردار با خرده بورژوازی

(قسمت دوم)

✳️خرده بورژوازی در پروسه نفوذ امپریالیسم
موقعیت اجتماعی و سیاسی کسب خود را از دست می دهد، از همین رو با امپریالیسم و سرمایه بزرگ به ستیز برمی خیزد.

✳️پرولتاریا همراه با اجتماعی شدن تولید
خواهان اجتماعی شدن مالکیت است. از این رو خرده بورژوازی از پرولتاریا نیز در هراس است.

✳️پرولتاریا می بایست ضمن پشتیبانی از مبارزه
ضد امپریالیستی خرده بورژوازی، تزلزل و ناپایداری آن را در این مبارزه توضیح دهد.

جالب اینجاست که گروه اشرف دهقانی مومنگیری "حزب توده" را نسبت به دولت ملی دکتر مصدق مورد انتقاد قرار می دهند:

"حزب توده نمی توانست حرکت ملی دکتر مصدق را تأیید نماید. تیز موازنه منفی دکتر مصدق طبیعتاً با اهداف حزب توده و کرامشات عملی آن ناهمگنی داشت.

(همانجا صفحه ۸)
اما گروه مذکور توجه نمی کند که مومنگیری این بیان در رابطه با حاکمیت دقیقاً یادآور مومنگیری "حزب توده" در باره دولت ملی دکتر مصدق است. این بیان برای اثبات وابسته بودن خرده بورژوازی سنتی ماهیتاً از همان منطبق و استدلال "حزب توده" در آن زمان استفاده می نماید. اینان فراموش می کنند که جبهه ملی مصدق حاکمیت خلق آذربایجان را تأیید کرده است، که با ندهای وابسته به جبهه ملی مصدق بازمانده نظاهرات و تحمیل های کارگری حمله کرده اند، که مصدق هرگز حاضر به همکاری رسمی با کمونیست ها نگردد. دوران زمان نیز "حزب توده" از درک ماهیت دوگانه بورژوازی ملی عاجز ماند و موازات دکتر مصدق را با امپریالیسم آمریکا و مومنگیری های ضد کارگری وی رادلیال آن دانست که مصدق عامل امپریالیسم آمریکا است.

سازمان پیکار اشغال سفارت آمریکا و سیاست مجموعه هیئت حاکمه می داند که ابتکار انجام آن بر عهده خرده بورژوازی مرفه سنتی گذاشته شده است. از همین رو این اقدام را به یک اقدام ضد امپریالیستی بلکه اقدامی در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه داری وابسته تلقی می کند:

"هیئت حاکمه ای که مجبور است برای بقای حاکمیت خود به احیای سیستم سرمایه داری وابسته بپردازد باید می گوید برای تأمین منابع دراز مدت خود و با توجه به ممنوع عمیق ضد امپریالیستی جنبش مبارزاتی توده ها، خود را با مبارزات توده ها هماهنگ نشان داده و موافقت توده ها را بر ضد امپریالیسم آمریکا که شاه خائن را پناه داده برای تحویل شاه خائن بخوراند تا خود او سیستم سرمایه داری وابسته را از دست بحرانی که می رود نجات دهد. دشمن انقلاب را در خود بخوراند، خصلای کند.

(صفحه ۲۴)

این حملات به بهترین وجه عمق آشفتگی فکری پیکار و فقر ادب لولویک آن را به نمایش می گذارد. گفته می شود که بورژوازی مالکیت را در دست دارد، که هیئت حاکمه مجموعه ضد خلقی و ارتجاعی است که مجبور به احیای سیستم سرمایه داری وابسته است، که سرمایه داری وابسته در بحران عمیق سیاسی - اقتصادی است، و ناگهان نتیجه گرفته می شود که حل بحران از طریق خوراندن توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و هنگامی که مبارزات ضد امپریالیستی توده ها امکان پذیر است.

پیکار می گوید:
"امپریالیسم آمریکا پس از این گروگان گیری سعی در افزایش فشار اقتصادی - سیاسی به دولت ایران می کند و در این رابطه حتی از تقویت و تحریم یک نیروهای وسیع نظیر نفوذ آل ها در بلوچستان و عناصری از باستان خوش در میان محافل نزدیک به قدرت حاکم... نیز رویگردان نمی شود. می گویند تا از این طریق هم سیاست اعمال فشار خوبش را به پیش برد.

(شماره ۲۰، صفحه ۱۲)

و در جایی دیگر:
قطع خرید نفت ایران از جانب کارتر نیز...

بلوکه کردن دارایی های ایران در بانک های آمریکا و ... عدم صدور برخی مواد اولیه به ایران، تهدید به محاصره اقتصادی و ... در ادامه همین سیاست ها صورت می گیرد. (همانجا)

ویاز می گوید:
"سرانجام دولت آمریکا بطور تلویحی و به خاطر تحت فشار قرار دادن ایران، از امکان اقدام نظامی آمریکا علیه ایران سخن می گوید. (همانجا)

ولی علیرغم تمامی این واقعات از نظر پیکار جنگ هیئت حاکمه ایران با آمریکا جنگی زرگری است که برای حفظ سیستم سرمایه داری وابسته انجام می گیرد. پیکار با عدم درک تضادهای درونی هیئت حاکمه از پایداری غلط از همزونی در دستگاه حاکمه، درک غلط از ماهیت خرده بورژوازی سنتی، دردت همسان اشتباهی را مرتکب می شود که خود به گرایش "چپ" نسبت می دهد. به راستی اگر دستگاه حاکمه مجموعاً ضد خلقی است (یعنی نماینده امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است) این همه روش های امپریالیسم آمریکا که خود پیکار آنها را برمی شمارد به چه معنی است؟ مگر یک تسری اجتماعی بدون داشتن تمایلات ضد امپریالیستی می تواند در صف مبارزه ضد امپریالیستی واقفان شرکت داشته باشد؟

واقفیت آن است که خرده بورژوازی سنتی بنا به ماهیت طبقاتی اش نظیر سایر اقشار و طبقات بنیادینی ماهیت دوگانه ندارد. خرده بورژوازی مدافع مالکیت خصوصی و صاحب وسایل تولید است. او در تلاش افزایش سرمایه خود و صعود به موضع بورژوازی است. اما تولید و تجارت بزرگ عرصه را برای تنگ می کند و تولید و تجارت کوچکش را به خطر می اندازد. گسترش نفوذ امپریالیسم و رشد سرمایه داری وابسته او را به ورطه تنگی و نابودی می کشاند. خرده بورژوازی در پروسه نفوذ امپریالیسم مومنگیری و سرمایه داری خود را از دست می دهد و با دامان پرولتاریا سقوط می کند. سرمایه بزرگ موقعیت او را به عنوان یک جنبش مستقل جامعه به خطر می اندازد. خرده بورژوازی از این سقوط وحشت دارد و از همین رو با امپریالیسم و سرمایه بزرگ به ستیز برمی خیزد و در جنبش ضد امپریالیستی نقش متفرقی و انقلابی بازی می کند.

از سوی دیگر پرولتاریا بنا به ماهیت طبقاتی اش با مالکیت خصوصی وسایل تولید سر ستیز دارد که همراه با اجتماعی شدن تولید، خواهان اجتماعی شدن مالکیت است. از این رو خرده بورژوازی از پرولتاریا نیز در هراس است، چرا که در به قدرت رسیدن پرولتاریا نابودی مالکیت کوچک خویش را می بیند. در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ، پرولتاریا را به یاری می طلبد و از ترس پرولتاریا به بورژوازی نزدیک می شود. از این رو خرده بورژوازی می تواند به نیروی ذخیره پرولتاریا و با بورژوازی تبدیل شود.

خرده بورژوازی عقب مانده هنگامی که خود رهبری جنبش را در دست گیرد، ماهیت دوگانه خود را تماماً به نمایش می گذارد. در زمینه تخریب سیاسی نظام قبلی قاطعیت از خود نشان می دهد، اما در زمینه ساختن نظام آتی طرحی عملی ندارد. به سرمایه داری و سرمایه ایسم به دنبال "راه سوم" می گردد. اما این "راه سوم" افسانه ای بیش نیست که با واقعات عصر سرمایه انحصاری سخت بیگانه است. انتمپرسی خرده بورژوازی سنتی در ایران هنگامی که سرمایه عقب مانده ترین اشکال تفکر مذهبی توأم می شود، به

تکل "ولایت فقیه" بازگشت به دوران کهن گذشته را وعده می دهد و زمانی که با دانش های نوین ترکیب می گردد، به شکل "حاجه بی طبقه توحیدی نمایان" می شود و در کنار مالکیت خصوصی برافراز تولید مبدنه فاضله ای بازی از ستم امپریالیسم را جستجو می کند.

این انبوه در عین واپس گزایی، بنا به خصلت خود هیچوقت تحقق نمی یابد و این دلیل خرده بورژوازی علیرغم خواست ذهن خود هرگز قادر به نابود کردن نظام سرمایه داری وابسته نیست. از این رو خرده بورژوازی در قدرت سرانجام ناچار است با پارتی به عین ای نظام سرمایه داری وابسته گردد و با تحمیل رهبری پرولتاریا قرار گیرد. این جریان بر تضاد پیچیده غالباً به جزیه طبقاتی خرده بورژوازی شکل سیاسی می بخشد. اقتدار بالای آن به بورژوازی و اقتدار پائین آن به پرولتاریا می پیوندد.

زنگارهای سیاسی آن بخش از روحانیت که ناپندگی خرده بورژوازی را در حاکمیت بر عهده دارد، در یک سال گذشته هم این خصلت دوگانه خرده بورژوازی را به نمایش می گذارد. در کنار اقدام انقلابی مزدوران رژیم گذشته و فرماندهان ارتش شاهنشاهی، با هراس از نیروهای رادیکال انقلابی، به بازسازی ارتش رضایت می دهد. از یک سو به پرولتاریا جنگ و دندان نشان می دهد و از سوی دیگر بورژوازی لیبرال را از مندر قدرت بر سر می کشد. از یک طرف بر پارتی ها بورژوازی انحصاری به سطح فاشیستی بر علیه جنبش خلق طلبانه خلق هادست می زند و از طرف دیگر بر سر اشغال حاکمیت امپریا می زند تا خود می گوید: "و بی درستی یک دست بورژوازی لیبرال را از خود می راند و با دست دیگر او را به سوی خود می خواند.

سیاست پرولتاریا در مقطع کنونی نمی تواند جدا از پروسه برپاند حرکت خرده بورژوازی و زنگارهای سیاسی آن، بدون توجه به گرایش غالب بر سیاست خرده بورژوازی در هر مقطع و بدون در نظر گرفتن سطح آگاهی توده ها و پتانسیل مبارزاتی آنها و تضادهای درون هیئت حاکمه تنظیم گردد. پرولتاریا می بایست ضمن پشتیبانی از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی، تزلزل و ناپایداری آن را در این مبارزه توضیح دهد.

پرولتاریا می بایست ضمن شرکت در جنبش ضد امپریالیستی و تبعیض محتوای آن، آلترناتیو و امپریالیسمی خرده بورژوازی را که به بهترین وجه در قانون اساسی تجلی یافته است، افشا نماید. پرولتاریا باید به توده ها نشان دهد که عمده آزادی های دموکراتیک برای نیروهای مترقی به رسمیت نشناختن حق خود مختاری ملت ها و عدم شرکت فعال واقعی (نه فرمایشی) آنان در مبارزه، و مخالفت با اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و ... چه ضرایب بزرگی به جنبش ضد امپریالیستی وارد می سازد. پرولتاریا می بایست نشان دهد که یک نیروی ضد کمونیست سرانجام نمی تواند جنبش را به سرانجام برساند و با پس انداز در صورتی که پرولتاریا در اس جنبش قرار نگردد. در نتیجه راه خود یک بار دیگر با شکست مواجه خواهد شد.

پرولتاریا در مقطع کنونی می بایست ضمن نشان دادن عواملی اهورنوسیم "چپ"، با تأکید بر عددگی خطر اهورنوسیم "راست" و افشای بی دریم آن در جهت تشکیل صف مستقل پرولتاریا برای سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک توده های کام بردارد. پرولتاریا باید بگوید که با افشا و مغز و ساختن مستقل بورژوازی لیبرال خلق راجح همزونی خود متشکل نموده و این انقلاب را به پیروزی رساند. ادامه دارد

نابود باد جبهه سرمایه داران لیبرال

شوراهای دهقانی خراسان، جبهه زمینداران بزرگ

و حامیانش را درهم می‌کوبند

در سال گذشته دهقانان روستای حکیم آباد (شیرین سو) خراسان، علیه زمینداران بزرگ و درجهت خواست‌های خود مبارزاتی را آغاز کردند که اینک پس از گذشت یک سال، سراسر روستاهای خراسان را فراگرفته است. این مبارزات هر چند به فراز زمینداران بزرگ از روستاها منجر گردید، ولی تا به امروز نیز با انواع توطئه‌ها از طرف مالکین روبروست. بعضی از روحانیون طرفدار مالکین و عمده‌های از مسئولین دولتی نیز در جهت سرکوب مبارزات حق طلبانه دهقانان دست به اقدام زده‌اند.

حاجی قاضی و عاقل زاده غاصبین زمین‌های روستای حکیم آباد، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، با حمایت دولت شاهنشاهی و با توسل به انواع زمینه‌چینی‌ها و به‌زور سرنیزه زاندر امری و ارتش توانستند به تدریج تمام زمین‌های خرد مالکان را تصرف شوند و روستایان را مجبور کنند که زمین‌هایشان را با قیمت‌های ناازل در اختیار آنان بگذارند و آواره شهرها شوند. زمین‌داران بزرگ برای آنکه بتوانند مبارزه دهقانان را سرکوب کنند، کشاورزان و کارگران خود را از میان طبقات مختلف ایرانی، نظیر ترک، کرد، بلوچ انتخاب کرد و با توسل به شیوه‌های رذیله‌ها میان آنها چند دستگی ایجاد می‌کردند. آنان روستایان را به پنهان‌ترین غفلت در کار مورد شکنجه و آزارهای وحشیانه‌ای قرار می‌دادند که به قتل دهقانان محل در اغلب موارد به قتل روستایان منجر می‌شده است.

زمینداران بعد از قیام نیز با حمایت بعضی از روحانیون سرشناس منطقه و محافظان و جناح‌های طرفدار زمینداران و مالکین در سپاه سداران و کمیته‌ها، به فشار خود به روستایان ادامه دادند و به سرکوب، مبارزات آنان سر برداختند. سرکوب مبارزات دهقانان، علیرغم میل زمینداران و حامیان آنها موجب گسترش مبارزات دهقانان شد. آنان به مصداق «هر که بر سر از کوفتند آن حاجی قاضی دست زدند که با کمک سپاه سداران منطقه سر گرفته و به مالکین بازگردانده شد. سپس دهقانان هنگام تقسیم خرمن گندم از برداشت سهام آنها با خودداری کردند و بطور جمعی و متحدانه

در مقابل ارباب و اربادی آن ایستادگی کردند. این عمل منجر به فرار مالکین از ده شد. اما به تدریج اربابان و عناصر حامی آنان در درون سپاه سداران، با سداران به روستا حمله برده یکسری از کشاورزان مورد اعتماد پوستان را دستگیر می‌کنند. به دنبال این واقعه روستایان دست به مقاومت مسلحانه می‌زنند و با سداران را مجبور به خروج از ده می‌کنند.

مقامات دولتی و روستایان برای حفظ بهرزی‌های خود و رسیدگی به وضع زمین‌ها، از هر روستا چند نفر را به نمایندگی، به حکیم آباد می‌فرستند که پس از چهار روز گفتگو و تبادل نظر با توجه به این که زمین‌ها مکانیزه هستند و از طرفی ماشین‌ها هم قابل تقسیم نیستند تصمیم می‌گیرند شوراهای دهقانی به وجود آورند و امر کاشت و برداشت بطور شورایی به انجام رسانند. رانیز بر اساس نیروی کار که در جریان کاشت و برداشت به کار می‌گیرند، می‌گذارند. همچنین برای از بین بردن تبعیض‌های ناشی از

اگر چه مقامات دولتی و کمیته‌ها در برابر قدرت عظیم دهقانان عقب‌نشستند، مالکین به کوشش‌های تازه‌ای دست زدند، از جمله مالکین منطقه به گرد چند تن از روحانی‌ها و با توسل به روش‌های مختلف و با توجه به نفوذی که در کارگان‌ها و دولتی دارند به تلاش‌های بسیاری در جهت فسخ زمین دهقانان دست زدند. آنان این بار کوشش می‌کنند از طریق مسلحانه شدن افرادی خود به مقابل دهقانان بپردازند. شواهد و قرائن در دست است که کوشش آنها را برای مسلح ساختن افرادی خود به اشکات می‌سازد. لیکن بهرزی از آن کارگران و دهقانان است.

خلق ترکمن در انتخابات

مجلس شورای ملی شرکت نمی‌کند

اعتراض خلق ترکمن را بر علیه اعمال ضد مردمی راستر سازند و به گوش همه جهان‌نیان برسانند.

پهروز یاد مبارزات حق طلبانه خلق قهرمان ترکمنستان مستحکم با وحدت خلق‌های سراسر ایران پرتوان با دمیبازرات ضد امپریالیستی - دیکتاتور خلق قهرمان ایران کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ۱ اسفند ۵۸

ضد انسانی آنان خلق ترکمن در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت نخواهد کرد. ما اعتقاد داریم که رژیم جمهوری اسلامی در پی ممانعت برای انتخاب نیروهای انقلابی به نمایندگی مجلس شورای ملی از شیوه‌های مختلف از جمله اعدام نمایندگان انقلابی مردم و دوبرحلمای کردن انتخابات استفاده نموده است. روی این اصل از کلیه مردم ترکمن صراحتاً مخصوص زحمتکشان و دهقانان می‌خواهیم که با عدم شرکت خویش در این انتخابات فریاد

بدینوسیله کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن اسلام می‌دارد که چون کاندیداهای انقلابی و نمایندگان واقعی خلق ترکمن برای مجلس شورای ملی شریحند در خشنده توماچو عبدالحکیم مختارم ناچوانرمدانه توسط رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و در زندان بدون محاکمه اعدام شدند، همچنین به دلیل ایجاد محیط رعب و وحشت و ترور در منطقه توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاعی و اعتراض به اعدام‌های بدون محاکمه و اعمال خشن و وحشیانه و

خبرهای روستایی

زده و به طرف فرمانداری رفتند و در ساعت ۱۱/۵ وارد فرمانداری شدند. طبق معمول فرماندار آنها را به حفظ نظم و آرامش دعوت نمود و توصیه کرد که متوجه باشند در این شکوه کمیت‌ها نفوذ نکنند و سعی نمود مسئله را خاتمه دهد که با مقاومت دهقانان روبرو شد. دهقانان گفتند ما خود ما بهترین دانیم که چگونه کارها را انجام دهیم و بنده مبارز گشتند.

آمل - روستای سائیح محله روز دوشنبه ۸ بهمن، ۲۵ نفر از اهالی بی‌زمین سائیح محله یکی از روستاهای آمل واقع در جاده لوز چستان با در دست داشتن بیل و کلنگ و داس با شعار "مرگ بر عمرانی دشمن سرخست ما"، "کار برای کارگر، زمین برای بزرگ"، "زمین، زمین، حق مسلم ماست" برای معادله ۳۰ هکتار زمین و تقسیم آن مابین روستایان بی‌زمین دست‌به‌راهیابی

آمل - روستای مروند در حدود ۱۲ خانوار بی‌زمین و کم زمین روستای مروند یکی از روستاهای آمل روز یکشنبه ۷ بهمن زمینی به مساحت ۱۷ هکتار را که در تصرف یک زمین‌دار شهری به نام توخت بوده است

دسته‌جمعی و با همکاری و کمک روستایان دیگر به نفع خود ضبط کردند و آن را شخم زدند و تمامی محل دوسه روز بسج شده بودند تا از حمله احتمالی افرادی زمین‌دار جلوگیری کنند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



بقیهاز صفحه ۱۶ سیزدهمین سال درگذشت ...

ضعف‌های تاریخی - طبقاتی دکتر مصدق موجب استضعاف و ناتوانی او در نتیجه‌رشتی که در راس آن خود دکتر مصدق قرار داشت به‌سود امپریالیسم امریکایی و اهدای داخلی اش علیه او و علیه خلق‌های ایران دست به‌کودتای سپاه ۲۸ مرداد زد و حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساخت.

نتیجه آن که تمام دستاوردهای جنبش ملی دکترا تیک مردم ایران بر باد رفت و ۲۵ سال دیگر سلطه خشن و غارت و وحشیانه امپریالیسم جهانی در راس آن امپریالیسم امریکا توسط خاندان منور پهلوی ادامه یافت.

اکنون از زیبایی صحیح از مصدق و سیاست‌های او برای انقلاب مردم ما از اهمیت اساسی برخوردار است. چه موفقیت ضد امپریالیستی دکتر محمد مصدق و حصول وجود و حضور بورژوازی ملی ایران در عرصه مبارزه طبقاتی بود. آنچه که قریب سه دهه

کمکهای مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	تاریخ
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

"دولت موقت" قرار می‌گیرند. پست‌های وزارت و کارگزاران را اشغال می‌کنند. در شورای انقلاب می‌زنند. در مجلس خبرگان حضور می‌یابند و با تمام قوا آشکار و پنهان در صدد جنبش انقلابی توده‌ها راه شکست‌گشای آنان را تنگ‌نویس می‌کنند و سازمان‌دهی مبارزه با امپریالیسم امریکا و خجاست‌های خود را "افتخار" می‌نامند. پنهان‌سازی جلسات توسط میزترتیب می‌دهند و از هر فرصتی برای تشکل‌سازی و سازماندهی خود سود می‌جویند و اکنون که در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی هستیم در صدد آنند که با حضور در مجلس با نام مردم علیه مردم اقدام کنند. ولی مردم ما دیگر می‌دانند که جنبه ملی، نیست آزادی و حزب خلق، مسلمان و احزاب لیبرالی که در شرف تأسیس هستند دیگر نه تنها رنگ ملی تاریخی خود را باختند بلکه به محفل‌های ضد انقلابی میدان شده‌اند که وظیفه‌ای جز کوشش برای شکست جنبش ضد امپریالیست دکترا تیک خلق‌های میهن ما ندارند.

اعتراض به حذف عده‌ای از کاندیداهای معرفی شده مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مطابق اطلاعات رسیده کاندیداهای معرفی شده مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مشهد اصفهان، خرمشهر، رامهرمز اهواز، اهر، بندرعباس و ارومیه توسط فرمانداری‌های شهرستان‌های مذکور به دلایلی مفاصل آزادی فعالیت‌های سیاسی و معارف حقوق دکترا تیک مردم از شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی محروم شده‌اند. مطابق پاسخ فرمانداری شهرستان مشهد به نامه اعتراضی آقای سید محمد قارونی هاشمی زاده سازمان در تاریخ ۱۴ اسفند ۵۸

بقیهاز صفحه ۱

بذنبال یکسال بیکار شوراها دهقانان بالاخره ...

کود، بذر، ماشین‌آلات ... توسط دولت به این شوراها واگذار شده، نه تنها موجب افزایش بازدهی تولید کشاورزی در میهن ما خواهد بود، بلکه زمینه‌های راه‌به‌راه سرعت فراهم آوردن امروز آن جناح حاکمیت که در یک سال گذشته زمینداران بزرگ و خوانین مرتجع و مزدوران آنها را مسلح کرد و زیر فشار جنبش دهقانی عقب رانده شده است.

دشمنان مردم هر چند که باید بدآورند فاجعه قارن، کشتار نقد و کشتار خلق ترکمن و تور و فرزند دلاور خلق ترکمن و جنایات‌هایی که در دیگر مناطق ایران مرتکب شدند، صد هاتن از زمین‌گسنان و دهقانان زحمتکش میهن ما را به خاک و خون کشیدند، اما امروز در برابر آده لایزال دهقانان و عشایر زحمتکش ایران و مبارزات آنها چاره‌ای جز عقب نشینی نمی‌بینند. بسیار کسانی که تا دیروز فتوای‌ها را مسلح می‌کردند و آشکارا از زمینداران بزرگ حمایت می‌کردند امروز در برابر مبارزات بی‌امان

مشکل شده وزیر رهبری ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا قرار داشتند نقش برجسته داشته است.

شوراها دهقانی در ترکمن صحرا، امروز برای دهقانان سراسر ایران نمونه و سرمشق است. این نمونه در ماه‌های اخیر توسط دهقانان مازندران و خراسان مشخصا به کار گرفته شد از قدرت نفوذ روز افزون در سراسر میهن برخوردار است.

کشت و برداشت شوراها که گسترش مناسب سرمایه‌داری در زمینه مناسب تاریخی ایران آن را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تنها شکل واقعی و انقلابی حل مسالمانه در اقصی نقاط میهن است.

سرمایه‌داری در ایران در همین حال متشکل ساختن دهقانان خرد به مالک را در اتحاد به‌هایی که می‌توانند در خدمت بهبود زندگی این بخش از دهقانان عمل نمایند ضروری می‌سازد.

لغو دیون کشاورزان سپردن وام‌های بدون بهره به آنان، در اختیار گذاشتن

از ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا نماینده واقعی دهقانان پشتیبانی کنیم

کارگران، دهقانان، زحمتکشان، خلق‌های قهرمان ایران

با حمایت از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
صف نیروهای انقلابی را در مبارزه برای
استقلال - کار - مسکن - آزادی
تقویت کنیم

اسامی کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سراسر ایران

<p>۷- اصفهان</p> <p>فضل‌الله چایچی اصفهان فاطمه شریعت اصفهان ابراهیم عبدالحسینی اصفهان لطف‌الله مجدزاده شهرکرد</p>	<p>۴- خوزستان</p> <p>نسیم خاکسار آبادان ملیحه السادات آبادان زهتاب مورانسی آبادان محمد جواد خاتمی اهواز نادرنیا پرست بهبهان بهژن شیروانی رامهرمز ناصر رحیم خانی کورج اندیشک علی ضامن منجری مسجد سلیمان دکتر ناصرفان شوشتر سید فخر شجری آبادان شیرمعیل خرمشهر</p>	<p>۱- تهران</p> <p>مصطفی مدنی حشمت‌الله رئیسی رقیبه دانشگری علی محمد فرخنده (کشگر) مستورما حمدزاده لطف‌الله بیژمان هبت‌الله طبیب غفاری سعید سلطانپور مهدی حاج‌قاسمی تهرانی</p>
<p>۸- فارس</p> <p>صدیقه صرافت شیراز حسین نخعی شیراز</p>	<p>۵- گیلان</p> <p>دکتر محمد رضا رشت جوشتی املشی رشت ضرغام محمودی رشت انبرج نبیری لاهیجان محسن پورصفا رومنی فومن زین‌العابدین کاظمی لنگرود محمد خوش‌ذوق (خوشدل) انزلی سیاهکل محله آستانه، سیاهکل</p>	<p>۲- آذربایجان</p> <p>ابوالفضل محقی تبریز نعمت‌الله گلپین تبریز حمید حمید بیگی تبریز علی رستم‌زاده شبستری شبستر قربا نعلی پاشائی ارومیه یوسف اکبری اردبیل علی (اصغر) توری اهر مطلب اسدی مغان مقصود کاسبی میاندوآب سید جمال سید طاهری سراسکند منوچهر قاسطو میانه</p>
<p>۹- خراسان</p> <p>سید محمد قارونی مشهد</p>	<p>۶- مازندران</p> <p>فردوس جمشیدی رودباری قائم شهر حسن صمدیان بابل محمد رضا مهجوریان آمل</p>	<p>۳- کردستان</p> <p>انور سلطانی بوکان عبدالله قدامی بانوسقز رحیم محمودی مهاباد فریده قریشی سنندج عبدالرضا کریمی مریوان صالح آذربور اشنویه و نقده</p>
<p>۱۰- مرکزی</p> <p>مرتضی میثی قزوین ناصر شهاب اراک</p>	<p>۱۱- سیستان و بلوچستان</p> <p>حسن رئیسی ایرانشهر</p>	
<p>۱۲- هرمزگان</p> <p>نصیرالدین کریم‌زاده بندرعباس غلام‌سنگری میناب</p>	<p>۱۳- لرستان</p> <p>محمد جودکی بروجرود براتعلی رخشان خرم‌آباد</p>	
<p>توضیحات * معرفی شده توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران</p>		

استقلال - کار - مسکن - آزادی



ال سالوادور هم آزاد می شود

اوج گیری مبارزات دامپریالیستی و اعتسالی جنبش توده‌ای در امریکای مرکزی امیدهای تازه ای را برای درهم شکستن امپریالیسم امریکا نوید می دهد. مبارزات قهرمانانه ای که امریکای مرکزی راه پیکساز کانون‌های مستقل مبارزه علیه امپریالیسم بدل نموده است نشان دهنده گسری از زوال امپریالیسم در عصر ماست. در گواتمالا، تشدید مبارزات توده‌ای و افزایش دامنه فعالیت رزمندگان مسلح، نگرانی بیشتر از پیش امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی‌شان را موجب گردیده است.

مقابله بانفوذ کمونیست‌ها دستور تیراندازی به سوی کارگران اعتسالی (در تاریخ ۲۷ دی ماه) صادر نماید. این عمل باعث گردید تا بار دیگر باهیت ضد کارگری وضد خلقی حکومت در برابر توده‌های ستکشی آشکار گردد. این درگیری اگرچه به زخمی شدن ۸ نفر از کارگران اعتسالی انجامید نتوانست آتش‌مبارزه کارگران را خاموش سازد و باعث شد تا کارگران هر چه مصمم تر به مبارزه حق طلبانه خود ادامه دهند.

پس از سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه جنبش انقلابی درال سالوادور از ارج بی سابقه‌ای برخوردار گردیده است. مبارزات کارگران و دهقانان علیه نظام سرمایه‌داری وابسته هر روز دامنه بیشتری به خود می‌گیرد. جایگزین کردن روابط سرمایه‌داری در سیستم کشاورزی منجر به خانه‌خوابی فقر و گرسنگی برای ۶۰ درصد اهالی این کشور شده است که در مناطق کشاورزی زندگی می‌کنند. بهره‌کشی طبقه سرمایه‌دار و زمین‌داران نیکاراگوئه که با هزاران رشته امپریالیسم جهانی

مکان کرده محصولاتی را که بیش از نیمی از صادرات ال سالوادور را تشکیل می‌دهند در رومی‌کنند. این وضعیت درگیری‌های شدید را بین کارگران کشاورزی و دهقانان از یک سو با دولت و شرکت‌ها و طبقه سرمایه‌دار زمین‌داران بزرگ موجب گردیده است. پرداختن



مبارزات کارگران نوبت ال سالوادور است.

همچنین مبارزات کارگران صنعتی، افزایش بی سابقه‌ای یافته است. در روز بیست و سوم دی ماه ۵۸ کلیسای بزرگ سان سالوادور، توسط کارگران وابسته به سندیکای فلزی ال سالوادور، اشغال گردید. این کارگران وابسته به سازمان مارکسیست - لنینیستی بلوک انقلابی خلق ال سالوادور هستند. خواستار باز شدن چندین کارخانه بودند که توسط صاحبان آنان تعطیل شده بود. این نوزدهمین باری است که در عرض ۱۳ ماه اخیر کلیسای سان سالوادور اشغال می‌شود در ماه گذشته در طوسی تظاهراتی به نفع "بلوک انقلابی خلق" تظاهر کنندگان این کلیسای اشغال کرده بودند. که در پی بورش وحشیانه پلیس ۱۹ تن کشته شدند. در روز دوم بهمن ماه به درخواست سازمان‌های سندیکایی ال سالوادور، مردم این کشور دست به تکیه اعتصاب عمومی زدند که با راهپیمایی یکصد هزار نفری مردم پایتخت همزمان بود. این راهپیمایی نمایی از همبستگی یوحدت چهار گروه مارکسیستی بود. در پی این مراسم گارد به اصطلاح پلی دریک بورش به تظاهر کنندگان بیش از ۲۲ تن را کشته و ۱۲۵

شدت گرفتن فعالیت‌های انقلابی علیه نظام سرمایه‌داری وابسته به او جگیری سیاست‌های فاشیستی و کشتارهای برنامه ریزی شده توده‌های دهقانی و دیگر زحمتکشان از جانب رژیم نظامی ال سالوادور همراه بوده است. همچنین پدایش سازمان‌های جدید فاشیستی از جانب امپریالیست‌ها در این کشور نمونه دیگری از جگیری این سیاست است.

باند ها سازمان‌هایی که توسط "سیا" سازمان یافته شده است جزوات خود را بنام جنبه آزادی اصل مبتنی بر جنگ با کمونیسم برای نابودی کامل آن منتشر می‌کنند. نقش این سازمان‌ها مانند دیگر گروه‌های مسلح فاشیستی در تمامی کشورهای امریکای لاتین مانند "جوخه‌های مرگ" یا "اتحادیه علیه کمونیسم" در برزیل، آرژانتین، گواتمالا و... است که به صورت ابزارهای سرکوب رژیم‌های نظامی علیه نهضت‌های مردمی عمل می‌کنند. این گروه‌ها به تظاهرات سردم حمله می‌کنند، قاتل سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه را به آتش می‌کشند و به شکار انقلابیون و نیروهای ضد امپریالیست می‌پردازند. اما مبارزات قهرمانانه توده‌های زحمتکش ال سالوادور و دیگر خلق‌های امریکای مرکزی، هر چه بیشتر گند بگی و اختصار امپریالیسم را به نمایش می‌گذارد و در روستاها سرکوبگرانه سیاست‌های بر ملا می‌سازد. مبارزات قهرمانانه ای که قیام‌های توده‌ای را نوید سلطه امپریالیست‌ها جمهوری دیکتاتور خلق را در این کشورها برقرار نماید.

- (۱) - شهر سیون، شهری است که باغات و تنه‌های درختان بزرگ آن در منطقه کارائیب، سواحل اقیانوس اطلس می‌باشد که محصولات ارسالی از اروپا و نفت در آن تخلیه می‌گردد.
- (۲) - سه نیروی عمده چریکی عبارتند از نیروهای مقاومت ملی و ارتش انقلابی خلق.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

سیزدهمین سال درگذشت رهبر ملی دکتر مصدق را گرامی بداریم ومشت میراث خواران اورا بازکنیم



حزب شود. این روش حزب توده "که تا قبل از ۳۰ تیر ادامه داشت، این بار که سیاست راست‌روای میبدل شد که به دنباله‌روی صرف از نمایندگان بورژوازی ملیسی انجامید. نتایجی که سیاست‌های چپ و راست "حزب توده" به بار آورد، نشان داد که این روش ملیسی و ناپهگیری‌های بورژوازی ملیسی آشکار شود و خلاصی را که عوامل فوق به وجود آورده بود، با یک سیاست پرولتاریائی برگردد. جنبش ضد امپریالیسم و دکراتیک توده‌ها تعمیق باید و به پیروزی انجامد.

از سوی دیگر در جریان ملی شدن صنعت نفت کسب پیروزی‌های چشمگیری که طی مبارزات مردم در سال‌های ۳۱-۲۹ به دست آمده بود، امپریالیسم امریکائی کوشش کرد از تضعیف سلطه امپریالیسم انگلیس سود جست و به تدریج و با ما تورهائی موقعیت مناسبتی به دست آورد که با مقاومت دکتر مصدق و مبارزین روبرو شد. این امر ضرورت مبارزه ضد امپریالیسم را تعمیق بخشید. صف بندی جدیدی از نیروها شکل گرفت. جناح‌های سازشکار بورژوازی، از جمله بقائی، مکی و کاتانیسی ارض مبارزین خارج شدند و به صف دربار امپریالیسم پیوستند. جریانهائی سیاسی - مذهبی، منسل فدائیان اسلام را سرانگشت امپریالیسم و با ادای داخلی اش به واسطه عقب افتادگی ذهنی شان با دکتر مصدق از در مخالفت درآمدند. مجموعه این عوامل به اعتبار بقیه در صفحه ۱۳

بن خلق ما و امپریالیسم و بهره‌گیری از توان خلق‌ها علیه امپریالیسم. از این جهت دکتر مصدق مبارزات خود را عمدتاً در سطح دیپلماتیک و دادگاه‌های بین‌المللی که می‌توانست مکمل مبارزات مردم ما باشد، پیش برد و در وجه داخلی در صدد برآمد که ارتش ضد خلقی و نهاد های سرکوب را تقریباً دست نخورده و بدون تغییر در اختیار گیرد. به همین دلیل پس از کشتار مردم بیگناه در ۲۳ تیر ۱۳۳۲ و پس از سلطه توطئه‌ها توسط نیروهای مسلح ضد خلقی که شاه در رأس آن بود، دکتر مصدق تقاضای فرماندهی کل قوا و وزارت جنگ را نمود و چون با مخالفت شاه روبرو شد ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا کرد. توده‌های مردم - حمایت‌آزایه خیابان‌ها ریختند و طی کشتار مردم در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ توسط ارتش، شاه تسلیم شد و دکتر مصدق توانست به وزارت جنگ و وزارت دفاع را اشغال کند. اشتباه بزرگ دکتر مصدق از اینجا آغاز شد که با تصفیه چندین نفر از سران ارتش به حساب غصب آن رابی خطر ساخت و سازی دکتر مصدق از درک ماهیت ضد خلقی ارتش غافل ماند. همانطوری که نتوانست ماهیت امپریالیسم جهانی را در رابطه با اشتراک منافعتشان به درستی دریابد.

چنین اشتباهاتی نتوانست توجیه مناسبی برای سیاست‌های چپ‌روانه و انحرافی حزب توده و در نتیجه گمراهی توده‌های کارگر و بخش‌هایی از توده‌های هوادار

۱۴ اسفند سالروز درگذشت دکتر مصدق رهبر ملی و میهن پرست ایران است. دکتر مصدق که در طی مبارزات ضد امپریالیسم و دکراتیک مردم قهرمان ایران از دوران انقلاب مشروطیت به همراه دهخدا و مسدروس در زندان و تبعیدگاه‌های رضاخان یادشماران مردم ما به نبرد برخاسته بود نتوانست جنبش ضد امپریالیسم - دکراتیک ایران را علیه سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم انگلیس در سال‌های ۲۹-۳۲ رهبری و هدایت نماید. اومضتین عامل وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم انگلیس و آنچه چیزی جز نکت نبود محسوس مبارزه قرارداد و حصول آن دست به سپنج سیاسی زد. بدین منظور در هم‌راه سال ۱۳۳۸ جنبه ملی به رهبری و تا پیش از در مجلس شانزدهم دکتر مصدق ریاست کمیسیونی را داشت که رسدگی به مسئله قرارداد های نفتی به آن محول شده بود و دکتر مصدق به سپنج افکار عمومی در زمینه ملی شدن صنعت نفت ایران پرداخت. کمیسیون نفت به دعوت مجلس شانزدهم تشکیل شد و در ۱۷ اسفند ۱۳۳۹ تصمیم خود را مبنی بر ملی شدن نفت به اطلاع مجلس رسانید و پس از تصویب در مجلس شورای ملی سنای در ۲۹ اسفند ۱۳۳۹ رسماً صنعت نفت ایران ملی اعلام شد. متعاقب آن مقاومت و توطئه‌های امپریالیسم انگلیس شروع شد و دکتر مصدق نتوانست با استفاده از نفوذ و طرح مسئله ملی شدن نفت رهبری شهرنشین را در دست گیرد ولی عدم اعتماد عمیق مصدق به نیروی لایبزال توده‌ها، ترس از کمونیسم که در او به عنوان نماینده بورژوازی ملی ایران متجلی بود سبب شده نتواند توان و نیروی توده‌ها به خصوص کارگران و زحمتکشان را در مبارزه ضد امپریالیسم به کار گیرد. دکتر مصدق به تدریج به تصادفین دو امپریالیسم انگلیس و امریکائی بهره‌گیری از آن توجه داشت تا به تصاد

"سازشکاران بداند، کارگران بیدارند"



در صفحه ۴

یاد رفیق نعمت احمدی گرامی باد



در محله فقیرنشین "درب دلاکان" خرم‌آباد به دنیا آمد. به هنگام اوگیری و اعتلای جنبش در سال گذشته، رفیق نعمت در تمام سنگ‌های مبارزه زحمتکشان خرم‌آباد حضور فعال و مؤثر داشت. پس از قیام رفیق تمام اوقات خود را صرف روشنگری زحمتکشان محلات فقیرنشین خرم‌آباد و افشای لیب‌رالی‌ها و توطئه‌های ارتجاعی وابسته به آن نمود. جای نعمت در میان زحمتکشان و محلات فقیرنشین خرم‌آباد خالی است.

خطراتش گرامی باد.

مرگ ناپهنگام رفیق نعمت احمدی که در تاریخ ۴ بهمن افتاد، محله‌های زحمتکشان خرم‌آباد را در غم سنگینی فروبرد.

رفیق احمدی در سال ۱۳۳۰

چه کسی مسئول شکنجه و مرگ فوج این دانشجوی مبارز است؟

دانشجوی دانشکده علوم "عمید عقیقی" را حدود ۲۰ روز پیش در مسرخانه‌اش مرگ رسانید و جسد قطعه قطعه شده‌اش را با آثار و علائم شکنجه و جفا و سوختگی به آتش سبگارد رجومه شهر رهائی می‌کند.

ما از همه مقامات مسئول خواستار دستگیری و معرفی و افشای عاملین این جنایت هستیم. ضمناً به مناسبت سومین روز شهادت دانشجوی عمید عقیقی مراسم در روز پنجشنبه ۸ اسفند ماه ساعت ۲ بعد از ظهر در دانشکده علوم با شرکت همه دانشجویان برگزار شد.

مردم مبارز کرمانشاه، کارگران زحمتکشان، دانش‌موزان، دانشجویان، سربازان و معلمین مبارزان، یار دیگر جنایتی هولناک در این گوشه‌های خاک میهن خونبارمان به وقوع پیوست. بعد از صد ها نمونه قتل و تشرور آتش زدن کتابفروشی‌ها، محله به راهیمائی‌های اعتراضی و حق طلبانه مردم و نیروهای انقلابی، تعقیب و دستگیری‌های تجاوزگران و غیر مجاز که بطور کسرتده توأم با رشده و تقویست روز افزون باند های سیاه و شیشه ساواک نیز بود. دست اکتون شاهد نمونه‌ای دیگر هستیم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر